

مروری بر زندگی علمی و سیاسی
جوادبگ لی (رحیم جوادبگلی)

گردآوری و تالیف ؛ گونتای قیزیل قایا
(صدوقی)

زمستان 1397

تقدیمی به مادران مبارزین حقیقی و شهدای راه
آزادی سرزمین مادریم و ادامه دهندگان راستین
راه افتخار آمیز تورکیت در ایران.

فهرست

1. مقدمه
2. زندگی نامه
3. سخنان بزرگان و مشاهیر عالم سیاست و علم درباره جوادبگلی
 - جناب آقای سعدی سومونجو اوغلو - وزیر اسبق جمهوری تورکیه
 - جناب آقای آلتین چتین روزنامه نگار مشهور جمهوری تورکیه
 - جناب آقای اورهان یئنی آراس صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر مجله رفرائس آلمان
 - جناب آقای ارطغرول کالافات نویسنده و روزنامه نگار مشهور جمهوری تورکیه
 - جناب آقای عمر قیزیل نویسنده مشهور جمهوری تورکیه
 - جناب آقای پروفیسور دکتر احمد بیجان ارجیلاسون (رئیس اسبق سازمان زبان و تاریخ ترک)
 - جناب آقای یحیی آذر اوغلو معاون دبیرکل آسکف
 - جناب آقای احمد یانار نویسنده و استاد دانشگاه
 - جناب آقای دکتر نظمی افشار موسس و سخنگوی کنگره تورکان ایران

- جناب آقای حسن کریم زاده روزنامه نگار و فعال مستقل
ترک آذربایجان جنوبی
- جناب آقای دکتر محمد زوار کاندیدای اسبق شورای اسلامی
شهر تبریز
- نامه سرگشاده گونتای قیزیل قایا خطاب به مسئولین جمهوری
ترکیه
4. مصاحبه با رحیم جوادبگلی در کمپ استرداد پناهجویان
شهر وان
5. مرحله جدید مبارزه در حرکت ملی آذربایجان (قسمت اول)
6. مرحله جدید مبارزه حرکت ملی آذربایجان (قسمت دوم)
7. عناوین و موضوعات پژوهش های رحیم جوادبگلی
11. بیانیه مشترک مقامات اسبق کشوری و سازمان های
مستقل غیر دولتی ترکیه
12. ابراز احساسات خلیل آلتی بارماق وکیل مدافع رحیم
جوادبگلی بعد از آزادی وی
11. عکسها

مقدمه

این کتاب را به پاس سپاس از زحمات پژوهش گر و مبارز راه تورکیت در ایران جناب رحیم جوادبگلی و معرفی و انتقال بخشی هر چند کوچک از تجربه بیش از سی سال مبارزه و زحمات خستگی ناپذیر ایشان به نسل جوان حرکت ملی با کمک دوستان عزیزم به رشته تحریر در می آورم. با این امید که فتح البابی باشد در نوشتن زندگینامه های بزرگان و نویسندگان علمی و هنری تورک در قید حیاتشان و به خود و دنیا ثابت کنیم که ما مردمان قدر شناس و آگاهی هستیم و در ارتقا منزلت اجتماعی بزرگان ملی خویش در جهت قدر دانی از قشر آگاه جامعه مان اقدام میکنیم. و امیدوارم توفیق آن را داشته باشم بعد از این اثر، زندگی نامه بزرگان و سایر شعرا و نویسندگانی که در زنده نگه داشتن تاریخ، زبان، فرهنگ و هنر تورک در ایران نقشی ایفا کرده اند را به رشته تحریر در بیاورم.

نوشتن این کتاب مصادف با دستگیری جناب رحیم جواد بیگلی توسط اداره مهاجرت کشور تورکیه شد و دقیقا به این علت بود که مجبور به اتمام زود هنگام این مجموعه شدم و چون احتمال استرداد ایشان به ایران وجود داشت، این وقایع در این کتاب تاثیر گذاشت و نوشته ها و مقالات در دفاع و حمایت از این مرد بزرگ رقم خورد. باشد خوانندگان عزیز و فعالان محترم حرکت ملی و دوستان اران ایشان این قصور را بر بنده ببخشند. امید است شاهد شکوفایی بیش از پیش نویسندگان پرچمدار راه پروفیسور کیریشچی و دکتر علی تبریزی بوده و نویسندگان با خلق آثار گرانبها در جهت بنیان دوباره تورکیت در ایران و آذربایجان جنوبی مثمر ثمر باشند.

گوننای صدوقی

زندگی نامه نویسنده و پژوهشگر ملی گرای تورک «رحیم جوادبگلی»

روز دهم تیرماه سال 1976 در یک خانواده اصیل پرجمعیت و وطن پرست با پیشینه مذهبی و ملی گرایی و در شهر پر افتخار تبریز چشم به جهان گشود. دوران ابتدایی تا دبیرستان را بین سالهای 1362 تا 1367 شمسی در تبریز گذراند. و در حین تحصیل در جهت تامین مایحتاج خود و خانواده اش کارگاه تولید فرش دست بافت را راه اندازی نموده و هم زمان در بازار تبریز با خرید و فروش فرشهای دست بافت به تجارت در این صنعت بومی مشغول بود.

نوجوانی و عنفوان جوانی وی مصادف با استقلال جمهوری آذربایجان و متعاقب آن توسعه و گسترش تفکرات ملی گرایی تورک در آذربایجان جنوبی بود به همین دلیل در راستای علایق و خواسته قلبی اش با تفکرات بزرگانی چون اسماعیل کاسپرالی و ضیا گوک آلپ و همچنین فرهیخته و پژوهش گر آذربایجانی پرفسور کیریشچی(زهتابی) و تفکرات ملی آنها آشنا شده و در جوانی جزء فعالان سرآمد حرکت ملی آذربایجان به شمار می آمد. با خصوصیات مبارزه جویانه و مصممی که از پدرانش به ارث برده بود توجه و حمایت فعالان حرکت ملی را به خود جلب نموده و در مدت حضور در ایران مؤسس و بنیانگذار تشکل های سیاسی و فرهنگی تبریز و آذربایجان بود. از جمله فعالیت های قبل از مهاجرت ایشان:

- تاسیس تشکیلات سیاسی «میلی حرکت قورولوشو(محق)» به همراه دوستان و همفکرانش در حرکت ملی آذربایجان در سال 1997
- انتشار مجله «آزادلیق اوغروندا مبارزه» بین سالهای 1998- 1999 و سر دبیری مجله مذکور.
- تحقیق و پژوهش پیرامون فعالیت های علمی و تاریخی دکتر زهتابی و معیت ایشان و دانشجویی در مسایل تاریخی و فرهنگی (پایه های علمی و پژوهشی ایشان در محضر دکتر زهتابی شکل گرفت)

- تاسیس و راه اندازی تشکل سیاسی «میللی ایسلامی حرکت(میج)» به همراه تعدادی دیگر از فعالان حرکت ملی آذربایجان در سال 1998
- تاسیس تشکل سیاسی «آذربایجان میللی آزادلیق جبهه سی(آماج)» به همراه تعدادی از دوستان و همفکرانش در حرکت ملی در سال 1999
- موسس و بنیانگذار سازمانهای مردم نهاد ان جی او «ایلقار» به همراه فعالان حرکت ملی در سال 2000

در سال 2003 با تشدید فشار رژیم ایران بر خود و خانواده اش علی رغم میل باطنی اش مجبور به مهاجرت شده و کشور آذربایجان را برای ادامه فعالیت های ملی خود انتخاب نمود.

در کشور آذربایجان تصمیم به ادامه تحصیل نموده و لیسانس و فوق لیسانس خود را در رشته حقوق و حقوق بین الملل از دانشگاه انیستو AMAKA باکو دریافت نمود.

همزمان با تحصیل، فعالیت های سیاسی و علمی خود را ادامه داده و به عنوان حقوقدان و نویسنده و پژوهشگر و متخصص، مقالات سیاسی مختلفی را به رشته تحریر درآورد. در سال 2009 انجمن پناهندگان ایران در جمهوری آذربایجان را تاسیس نموده و تا سال 2011 خود به عنوان رییس انجمن UNHCR باکو مشغول فعالیت بوده است. همچنین در این کشور کتابی حجیم پیرامون مسایل تورکهای ایران با نام «تبریز مرکزی تورک دوشونجه سیستمی» تالیف نمود که بخشهایی از آن در آذربایجان و ایران به چاپ رسیده است.

در هشتمین سال اقامت ایشان در آذربایجان خانه اش توسط افراد مغرض و نفوذی در حرکت ملی سوزانده شد که در اثر این آتش سوزی دچار سوختگی شدید شده و مدتها در بیمارستان بستری شد. و اکثر فعالیتهای علمی و تاریخی ایشان و حتی پاسپورت ایشان دچار حریق شده و از بین می رود. چنین اتفاقاتی نمی توانست در روحیه خستگی ناپذیر این مرد

بزرگ خلی وارد کند و یا از ادامه راه و هدف بزرگ این شخصیت نستوه (اعتلای فرهنگ و تمدن تورک) منصرف نماید .

با افزایش کارشکنی و سنگ اندازی افراد مغرض و نفوذی ادامه فعالیت و زندگی در آذربایجان ناممکن می نمود و به ناچار به جمهوری گرجستان مهاجرت نموده و فعالیتهای علمی و پژوهشی خود را در این کشور ادامه می دهد.

در طول اقامت در گرجستان مقالات و مصاحبه های مختلفی در ارتباط با شرایط سخت زندگی تورکهای گرجستان و تبعیض و اجحاف حقوق ملی آنان ارائه نموده است که قسمتی از پژوهشهای علمی وی با مضمون مفاهیم تورک و اسلام برای تورکهای گرجستان در قالب کتابی در کشور مذکور به چاپ رسیده است.

در سال 2013 بعلت فشار دولت گرجستان و همچنین ادامه تحصیل از طریق غیر قانونی، خود را به تورکیه رسانده و پس از تثبیت موقعیت و شرایط زندگی در دانشگاه قاضی آنکارا ثبت نام نموده و دومین فوق لیسانس خود را در رشته روابط بین الملل دریافت نمود.

رحیم جوادبیگی متخصص و کارشناس مسائل سیاسی پیرامون ایران و قفقاز جنوبی و خاورمیانه و دنیای ترک می باشد. و در کنار این در مورد ترکهای ایران، قفقاز و تاریخ ترکهای ایران صاحب نظر بوده و علاوه بر آن در نتیجه مطالعات مستمر اسناد تاریخی و فرهنگی مختلف به طور شگفت انگیزی با زبانهای فارسی، انگلیسی، تورکی آذربایجانی، تورکی استانبولی و عثمانی آشنایی داشته و می تواند به این زبانها بنویسد و بخواند و به همین علت به عنوان کردیدناتور و هماهنگ کننده 740 صفحه پروژه علمی در ارتباط با مسائل ایران و خاورمیانه در مرکز تحقیقات «بینی تورکیه استراتژیک آراشدیرما مرکزی» را به عهده گرفته بود.

در موسسه های {بئنی تورکیه استراتژیک آراشتیرما مرکزی} و { میلی دوشونجه مرکزی } و { MISAK } و در موسسه های دیگر به عنوان متخصص امور قفقاز و امور خاورمیانه و دنیای تورک فعالیت کرده است و هم اکنون در { میلی استراتژی آراشتیرما کورولو MISAK } به عنوان متخصص امور خاورمیانه فعالیت میکند .

همچنین مقاله های علمی اش در مجله های معتبر تورکیه و بین المللی مانند:

REFERANCE (ALMAN), TURAN, TÜRK YURDU, YENİ DÜŞÜNCE, DEVLET...

چاپ شده است .

هم اکنون به عنوان محقق و پژوهش گر در آرشیو ملی متعلق به دولت عثمانی پیرامون مسائل دنیای تورک تحقیق و فعالیت های علمی خود را دنبال میکند. همچنین به عنوان کوردیناتور و رهبری گروه مترجمان و مقدمه نویسی و چاپ بیش از صد کتاب تورکی تحت عنوان پروژه (تبلیغ ادبیات ترکی در بیرون مرزهای تورکیه) زیر نظر وزارت فرهنگ و گردشگری تورکیه در کشور های ایران و آذربایجان و گرجستان و عراق انجام فعالیت نموده و در حال فعالیت می باشد. صد ها عنوان نوشته در مورد تاریخ تورک و قفقاز، ایران و خاورمیانه به رشته تحریر در آورده که خیلی از آنها در مجله های معتبر و یا به عنوان کتاب چاپ شده است.

رحیم جواد بیگلی به خاطر زندگی سخت و خطرناک پناهندگی و اتفاق هایی که در زندگیش روی داده بود مجرد مانده و در آنکارا در حمایت کمیساریای عالی سازمان ملل به عنوان پناهنده به زندگی خود ادامه می دهد. وی یک حقوق دان و نمونه راستین روشنفکر تورک بوده و رژیم ایران ایشان را بخاطر فعالیت های علمی و سیاسی و پافشاری بر اصالت تورکیت ایران تحت فشار قرار داده است. لکن این ابر

مرد با بی‌اعتنایی و سرخم‌نکردن در برابر اعمال رژیم در حال گسترش فعالیت‌های علمی و سیاسی خود می‌باشد.

سندی که کمیساریای عالی سازمان ملل در مورد این پژوهشگر تورک داده است به این مضمون است (... به ویژه ، ایشان را نمی‌توان با زور به کشوری که در آنجا امنیت جانی ندارد و یا آزادی ایشان در خطر است به آن کشور انتقال یابد و در برابر این کار باید محافظت شود) با این هشدار از طرف کمیساریای عالی سازمان ملل در آنکارا به عنوان پناهنده به زندگی خود ادامه می‌دهد .

علی‌رغم این قانون این پژوهش‌گر و مبارز تورک در 2 آگوست 2018 بازداشت و برای تحویل به ایران به کمپ بازگشت پناهندگان واقع در شهر مرزی وان انتقال یافته و الان تحت نظر قرار دارد و منتظر حکمی است که برای او صادر خواهد شد. اگر قانون پناهندگی نقض شود به ایران تحویل داده خواهد شد.

حکایت یک تورک

تبریزی



از یک واقعه تلخ و دردناک، از یک تورک ایرانی، از رحیم جواد بگ لی سخن می گویم که به علت مبارزه بر علیه سرکوب تورکها در ایران، دولت ایران مجبورش کرد تا به آذربایجان

مهاجرت کند. در طول 4 سال اقامت در جمهوری آذربایجان ادامه تحصیل داده و در رشته روابط بین الملل فارغ التحصیل می شود. بعد به عنوان پناهنده در کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد به تورکیه می آید و با گرفتن اقامت از اداره مهاجرت حدود 4 سال است که در آنکارا زندگی می کند. برای پیگیری درخواستش مبنی بر اعطای شهروندی کشور تورکیه در روز پنج شنبه 2 آگوست به اداره مهاجرت شعبه آنکارا رفته و در آنجا دستگیر می شود. بعد به ایستگاه پلیس چانکایا انتقال داده می شود. دوستانش با شنیدن این خبر به اداره پلیس مراجعت کرده با مسئولین امر و خود رحیم جواد بیگلی دیدار کرده اصل ماجرا را جویا می شوند. ولی همه اظهار بی اطلاعی می کنند. دو بار با من تماس گرفت و من از وی پرسیدم خودت چه فکر می کنی؟ از دو اتهامی که به وی وارد کرده بودند صحبت کرده و به فشارهایی که به خاطر فعالیتهايش در خارج کشور به خانواده اش در ماه های اخیر وارد می شد و همچنین دیدار با دانشجویان ایرانی که در تورکیه تحصیل می کنند صحبت کرد. از اینکه در مدتی که در بازداشتگاه اداره پلیس بوده هیچ گونه اطلاعات و یا سندی مبنی بر علل دستگیری اش و اتهام وارده ارائه نشده و وکیل مدافعش را هم نپذیرفته اند؛ شکایت می کرد. بعد از 5 روز اقامت در بازداشتگاه پلیس چانکایا اطلاع یافت که قرار است با هوایما به شهر وان انتقال یابد. بعداً ما شنیدیم که با وجود پناهنده بودن وی در کمپ پناهجویان شهر وان نگهداری می شود.

رحیم جواد بیگلی پناهجوی تحت نظارت کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل بوده و گواهی عدم استرداد به کشوری که آزدیش را سلب کند را با خود دارد. با وجود حکم سازمان ملل، برای استرداد به ایران در کمپ شهر وان که هزاران قاچاقچی و مهاجر غیر قانونی نگهداری می شوند در شرایط ابتدائی و کاملاً سخت در بازداشت به سر می برد.

رحیم جواد بیگلی یک نویسنده و محقق در سطح عالی و بسیار سخت کوش است. به چند نمونه از تحقیقات و پژوهش هایش مختصراً اشاره می کنم؛

1. دهها مورد کتاب از پروژه های فرهنگی ، هنری و علمی اداره فرهنگ تورکیه را در آذربایجان و ایران انتشار داده که به چند نمونه از آنها مانند آثار امینه ایشین سو، پرفسور دکتر مهمت بایراکدار، دکتر اورهان ینی آراس، پرفسور دکتر اسکندر اؤکسوز، سعدی سومونجو اوغلو و کتابهای مصطفی یورو می توان اشاره کرد.

2. بسیاری از مقالات وی در رابطه با تورکیه و تاریخ تورکهای ایران در مجله های مختلف به چاپ رسیده است.

3. زمینه را برای انتشار مجله "یننی تورکیه " مرحوم حسن جلال گوزل در خاورمیانه فراهم نموده و مقالات خود مربوط به تورکهای ایران را از طریق این مجله در ایران نشر نموده است. مقالاتی که گروهی کار کرده و در مجلات مختلف به چاپ رسیده بالغ بر 2000 صفحه می باشد.

4. چاپ کتاب "ریشه کردها" (این کتاب ریشه عشیره های مختلف کرد را بررسی نموده و واقعیتهای جمهوری مهاباد را بازگو می کند)

5. کار تیمی و پژوهشی پیرامون سیاست گذاری و برنامه های درسی آموزش و پرورش تورکیه در دوره های سلجوقی ، عثمانی و جمهوریت تورکیه (این پروژه در حال اتمام بود)

6. پایان نامه فوق لیسانس در رابطه با روابط بین الملل در دانشگاه قاضی

اطلاعاتی که در حق رحیم جواد بیگلی و چگونگی بازداشت وی داریم اینهاست. آرزو و درخواست ما از مسئولین امر این است که این مسئله را جدی گرفته و در تصمیم خود بازبینی کنند. به این منظور باید با وی

ملاقات کرده و از واقعیت پرده برداری کنند. اگر این کار عملی نشود چنین رفتار ناعادلانه ای با روشنفکری مثل رحیم جواد بیگلی با وجود این همه خدمات گرانبهایش به دنیای تورکیت زخم عمیقی بر وجدان ملت تورک وارد خواهد ساخت که لطماتش سالیان سال بر پیکره تورکیت خواهد ماند. و بازنده دشمن نخواهد بود بلکه ما خواهیم بود.

کسی که گذشته اش را نقد نکند در گذشته خواهد ماند. چشم اندازمان خوب نیست. از هر طرف به مملکت ما فشار می آورند. اشتباهات، خطاها، غفلتها ...

دلالت و عقلانیت سرگردان است. خیانتها بعضاً در کمین، بعضاً در حال حمله هستند. راه برون رفت می خواهید؟ قبل از همه استراتژی ما باید عوض شود...

مقاله جناب آقای آلتین چتین نویسنده مشهور جمهوری تورکیه در مورد رحیم جواد بَگلی

امروز هر کشوری از
تورکیه یک سری از آدمها را
می خواهد. در این روزها که
بحران کشیش برانسون بین
آمریکا و تورکیه بوجود آمده
است جز در مواردی خاص
کسی از رحیم جواد بیگلی که
به خاطر استرداد به ایران در
زندانبسر می برد، سخنی به
میان نمی آورد. وقتی خبر
استرداد ایشان به ایران توسط



دوستان و طرفدارانش به جریان افتاد من در مورد این نویسنده و روشنفکر
تیریزی تحقیق کردم. فارغ از حرفها و سخنرانی های دهن پر کن حماسی،
خواستم بدانم طرز تفکر این شخص چیست؟ استردادش چه منافعی می
تواند به تورکیه داشته باشد؟ متوجه شدم رحیم جواد بیگلی تاریخ تورکیت
ایران را از نگاه ناسیونالیزم و ملی گرایانه بررسی می کند و از نوشته
های وی دریافتم که ایران، جغرافیایی که در صد سال اخیر به عنوان
سرزمین تاریخی فارسها معرفی کرده و تثبیت می کنند، در واقع قبل از
صد سال پیش مهد و سرزمین تاریخی تورکها بوده و از طرف این ساکنین
اکثریت اداره می شده است. و بجز تاریخ قبل از اسلام که آن هم جای بحث
دارد تورکها تا سال 1925 از قره خانلوها تا قاجار به وسیله دهها دولت و
خاندان تورک 1500 سال درخشانترین مدنیت دنیا را ایجاد کرده اند و
متوجه شدم که با همکاری مثلث (اروپا، چین، روسیه) و همچنین به کمک

منابع هندوستان، تورکها حاکمیت مشروع خود را در سرزمین (دنیای قدیم) از دست داده و به ملت مغلوب بدل گشته اند. تورکها در بسیاری از نقاط این سرزمین هم از نظر فرهنگی و هم از نظر اتنیکی مورد نسل کشی قرار گرفته اند و متأسفانه این روند ظالمانه و هولناک همچنان ادامه دارد. قطعه گم شده پازل دنیای تورک برپایی تورکیت در ایران است. اگر تمامی جمهوری ها و کشورهای تورک در دنیا بخواهند مسائل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را در بین خود حل نموده و متحد شوند بدون همراهی تورکهای ایران این کار عملی نخواهد بود. (طلوع دوباره تورکیت در ایران)

رحیم جواد بیگلی با این مقاله ها و کتابها تفکر و ایده خود را در ارتباط با وحدت تورکهای جهان در میان گذاشته است. این تفکرات و ساختار عملی آن، دقت و توجه مرا به خود جلب نمود.

نگاه مهم و قابل درک رحیم جوادبیگلی به مسئله کوردها و پرداختن به راه حل این مسائل انسان را وادار می کند که سرچشمه "مسئله بغرنج تروریسم کرد" برای تورکیه را راحت تر درک نماید. بازی مخوف دشمنان ما با تورکیه است که خواه با ترور خواه با سیاست و البته با کمک بعضی از برادران کردمان به این مسئله دامن می زنند. صحبت از یک بازی خطرناکی است که برای منطقه تدارک دیده اند. این در حالی است که تورکها در طول تاریخ نه با کردها بلکه با هیچ یک از اتنیکهای اقلیت دیگر منطقه چنین مسائلی را نداشته و به صورت کاملاً برادرانه زیسته اند. مشکلی که با نام کردستان بزرگ که در تورکیه، ایران، عراق و سوریه به راه انداخته اند توسط نیروهای متفق در جنگ جهانی اول علی الخصوص در جنوب شرق آناتولی و آذربایجان غربی (ایالتی است در شمال غرب ایران و غربی ترین استان آذربایجان است) و همچنین تفکر ایجاد دولت ارمنی در این سرزمین صرفاً برای مقابله با نیروهای تورک و اسلامی بوده که همیشه در طول تاریخ سد راه استعمار غرب بوده اند. (چگونگی راه حل مسئله کرد در خاورمیانه)

مسئله تروریسم قومی سالهاست که روی دوش دولت و ملت ما سنگینی می کند و حل هر چه سریعتر این مسئله از اوجب واجبات است. رویکرد محتاطانه و عقل گرایانه رحیم جواد بیگلی فارغ از گرایشات ملی گرایانه

وی و ارائه راه حل به این مسئله برای تورکیه و منطقه اهمیت حیاتی دارد. رحیم جوادیبگلی در نوشته هایش مسئله ایران و منطقه را از دیدگاه بوپ (نقشه راه خاورمیانه) بررسی می کند. از نظر وی بوپ اتنیک اکثریت (تورکها) مردم ایران را نادیده می گیرد. در این پروژه قصد دارند ایران را به وسیله نیروهای پانقارسیست، طرفدار غرب و به اصطلاح اصلاح گرا ضد تورک و ضد عرب جلوه دهند. نامهای شناخته شده این نیروها دو ریاست جمهور سابق ایران هاشمی رفسنجانی، محمد خاتمی و حسن روحانی رئیس جمهور فعلی ایران است. اگر پروژه بوپ با موفقیت به پایان برسد سنگین ترین ضربه را تورکیت خواهد خورد. تورکیه برای جلوگیری از صدمات این پروژه غرب باید با روسیه همکاری نماید. چون روسیه یکی از نیروهای اصلی منطقه است که در این پروژه خیلی از منافع خود را از دست خواهد داد. روسیه و نیروهای وفادار به رهبر مذهبی ایران باید در مقابل واحدهای پیشرو بوپ مثل بارزانی، پ ک ک، پژاک و پ ی د همکاری نموده و این نیروها را خلع سلاح نمایند. و تورکیه در عین حال روابط امروزی با دنیای غرب علی الخصوص آمریکا را حفظ نموده و با روسیه روابطش را مستحکمتر نماید. روابط تورکیه با آمریکا و روسیه اهمیت حیاتی دارد. (چطور می توان مسئله جدایی طلبی کرد را در منطقه خنثی کرد) بدیهی است که ایران از چنین نظریه پرداز بزرگی چگونه استقبال خواهد کرد؟!

در موضوعاتی که نقش حیاتی در کشور دارند و من بعضی از نظریات رحیم جوادیبگلی نسبت به آن موضوعات اشاره مختصری نمودم نشان می دهد وی روشنفکری است که مشکلات و آلام و دردهای دنیای تورک و اسلام را می داند و برای آنها یا چاره دارد و یا دنبال چاره است. به همین علت به موضوع جوادیبگلی ماورای مسائل سیاسی نگاه شود بلکه باید در بررسی موضوع علاوه بر مسائل سیاسی از دیدگاه ایدئولوژیکی و انسانی هم به آن پرداخته شود. این روشنفکر ملی گرای تورک با بیان نظریاتش نشان داده که یکی از افراد و افکار و روح ماست. فردی که با تمام مشکلات شخصی اش مسائل را با این ریزبینی دنبال می کند برای مملکت ما چیزی جز منفعت و سود نمی تواند داشته باشد. با ارائه نمونه ای از افکار و نظریات وی نتیجه گیری در مورد رحیم جوادیبگلی را به وجدان عمومی و تقدیر دولتمردان واگذار می کنم. اما تنها چیزی که برایم در این

ماجرا روشن نیست و دانستن آن برایم جالب است تسلیم وی به ایران چه
دردی از دردهای کشور ما را التیام خواهد بخشید و اصولاً چه سودی برای
ما خواهد داشت؟

در پایان عید قربان را تبریک گفته آینده همراه با خیر و برکت را برای
همه آرزومندم.

مقاله جناب آقای اورهان یئنی آراس صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر مجله رفرانس(آلمان) در مورد رحیم جوادبگلی



16 اکتبر 2018

در کشور های اسلامی با کاهش یافتن مطالعات در زمینه های علمی و فرهنگی فشار بر روشنفکران و نویسندگان افزایش یافته و به متعاقب آن در این چند صد سال گذشته ، در همه زمینه ها با عقب ماندگی مواجه شدیم. متأسفانه در هیچ یک از زمینه های علمی، انسانی در سطح جهانی به دنیا معرفی نکرده ایم. و اگر انسانی در این سطح داشته ایم آنقدر برایش گرفتاری بوجود آورده ایم که هیچ وقت نتوانسته خود را از این بلایا نجات دهد. تنها در تورکیه با تغییر یافتن هر رژیم صدها نفر از روشنفکران و دگر اندیشان (و یا ایدئولوژیستها) محاکمه ، شکنجه، در زندان ها پوسیدند. تبلیغات دروغین وسیعی که در حق روشنفکران و تجددخواهان انجام شد در نگاه مردم روشنفکری به منزله جاسوسی کشور های بیگانه بوده و مترادف با جاسوسی و خیانت به کشور بکار رفت. روشنفکران واقعی انسانهایی هستند که در هر زمان و در همه حال بدون ترس و واهمه صدای رسای مخالفت بوده و افکار و عقایدشان را ابراز داشته اند. روشن فکر واقعی به هیچ عنوان مدح گوی هیچ رژیمی نمی شود و در مقابل هیچ قدرتی خم نشده و مردانه می ایستد.

به این دلیل است که روشنفکران در طول تاریخ در برهه های مختلف زمانی و در تحولات نقش سازنده خود را ایفا کرده اند و یا کشته شده اند. کسی که نتواند با افکار و ایده هایش پایه های ظلم را بلرزاند و راه تازه ای را در رسیدن به

سعادت عمومی به مردم نشان بدهد چطور می توان نام روشن فکر و اصلاح گر اجتماعی بر وی نهاد؟

یکی از روشنفکران هندوستانی که زیر چکمه های سلطه استعمار انگلستان با صدای نحیف و زاری کنان صدای ملتش بود و به عنوان روشنفکر سر بر آورد ابوالکلام آزاد بود. وی در سال 1921 در انگلستان به خاطر ظالم خطاب کردن پادشاه وقت بریتانیا (جورج) و لورد کلیمزفورد محاکمه و محکوم شد. در دفاعیه ای که نامش را دفاعیه بدون مرگ نام نهاده اند این طور فریاد می زد؛

وقتی خاتید فقیر و ناتوان را در حالی که دستانش بسته بود و از دهانش خون می آمد به حضور حجاج بن یوسف آوردند فریاد می زد ای حجاج تو ظالم ترین ظالمان هستی. من چطور به پادشاه جرج و لورد کلیمزفورد شما نگویم که تو ظالم هستی؟

آزاد با این رفتارش نام خود را در تاریخ اسلام به عنوان سرمشق آزادگی جاودانه ساخت .

هارون الرشید خلیفه عباسی وقتی در سال 160 هجری به خلافت رسید نامه ای به مفسر مشهور زمان خود عالم سفیان السوری نوشته و از او می پرسد چرا وقتی به خلافت رسیدم برای تبریک به حضور من نیامدی تا به تو خلعت اعطا کنم؟ سفیان السوری جواب می دهد که تو کی هستی که من به پیشگاه تو بیایم و با چه حقی اموالی که حق مردم است را بین کسانی که به تو تبریک گفته اند تقسیم می کنی؟ او زمانی این نامه را نوشت که هارون الرشید آنقدر قدرت داشت که پادشاه بیزانس را سگ خطاب می کرد .

نمونه هایی از این دست در تاریخ بسیار است و من بدون طول کلام می خواهم از رحیم جوادیبگلی که در حال حاضر در شهر وان آزادی از وی سلب شده سخن بگویم.

کی و در کجا اولین بار با رحیم جوادیبگلی آشنا شدم به خاطر نمی آورم. خیلی وقت بود که با وی از طریق ایمیل مکاتبه می کردیم. اما در سال 2017 وقتی فهمیدم در نمایشگاه بین المللی مطبوعات شهر استانبول حضور دارم از آنکارا برای دیدنم به پیش من آمد. تمام روز را با هم در شهر استانبول که هر دو عاشقانه دوستش داریم گشته و صحبت کردیم. من به او از ایغدیر و سورمه لی چوکور می گفتیم و او از تبریز برایم می گفت. خانواده هایمان آداب و رسوم مان محیط و

گذشته مان چقدر به هم شباهت داشتند. مثل این بود که در یک دهکده زاده شده و بزرگ شده بودیم و یک نوع زندگی را با هم تجربه کرده بودیم. نام گلها و انسانهای خاطراتمان هم یکسان بودند.

او هم مثل هر انسان دیگر برای آینده، افکار و برنامه هایی داشت. افکار و برنامه ها یش نشان از درایت تیزهوشی و درجه علمی اش داشت. "این را خواهم نوشت" "آن را انتشار خواهم داد" "این را ترجمه خواهم کرد" قرار شد به کمک همدیگر کتابهایی به زبان آلمانی منتشر کنیم و نمونه هایی بزرگ از فرهنگ غنی مان را به اروپا معرفی کنیم.

در حالی که ملامال از هیجان و امید به آینده بود از همدیگر جدا شدیم. مدتی با تلفن و ایمیل با همدیگر در تماس بودیم که به طور ناگهانی ارتباط مان قطع شد و من نتوانستم با وی صحبت کنم. بعد از پرس و جو فهمیدم که در شهر وان در اسارت به سر می برد. خیلی ناراحت و متاثر شدم.

حال رحیم و قلم پر توانش در اسارت هستند و نوشته هایم در مورد خودش را نمی تواند بخواند ولی می خواهم با این نوشته به دوستان و خانواده وی برسانم که همیشه به فکر وی بوده و با تمام وجود برای آزادی وی تلاش خواهم کرد.

به دبیر کل حزب حرکت ملی تورکیه جناب آقای دکتر دولت باغچه لی به نام تورک های ایران

با سلام و احترام

رحیم جوادیبگی متولد 1976 تبریز از سنین جوانی با هدف ابدی کردن مدنیت و فرهنگ تورک به صف مبارزین حق و آزادی تورکها در ایران پیوسته، عمر خود را صرف این راه مقدس نموده و از قسم خوردگان و مبارزین تورکیت در ایران است.

رحیم جوادیبگی فردیست که شرایط سخت زندگی و مشکلات در اراده وی خللی وارد نکرده و هیچ وقت از مبارزه غافل نمانده است. خواه در زمینه تئوری، خواه با مبارزه عملی خود در پیشرفت نهادهای مدنی و جایگاه امروزی حرکت ملی تورکهای ایران تأثیرات عمیقی از خود به جا گذاشته است.

به خاطر مبارزاتش در ایران با افزایش فشار بر خود و خانواده اش مجبور به ترک سرزمین اجدادیش شد و به آذربایجان مهاجرت کرد. با هشت سال زندگی در آذربایجان دو سال گرجستان و 5 سال زندگی در تورکیه به حیات در تبعید خود ادامه می دهد. چه سالهایی که در ایران بوده و خواه در تبعید در سخت ترین شرایط زندگی بدون درنگ و تامل با تحقیقات و پژوهش های خود به روند مبارزه اش شکل داده و در زنده نگه داشتن مبارزه ملت تورک در ایران و نتایج با ارزش امروزش نقش مهمی را ایفا کرده است.

وی که ساکن آنکارا است برای اطلاع از علت مشکلات پیش آمده در سیستم کامپیوتری دولت الکترونیک اداره مهاجرت در آخرین هفته ژوئیه

2018 به اداره مهاجرت شعبه آنکارا می رود که از وی می خواهند برگ اقامتش را نشان بدهد. بعد از چاپ اسناد از سایت های دولت الکترونیک مراجعه نموده و در آنجا با استناد به بند گ-87 وی را دستگیر می نمایند. با وجود تمام تلاشها وی آزاد نمی شود و در هفتم آگوست 2018 برای استرداد به ایران به کمپ پناهجویان شهر وان انتقال می یابد. وی در بیانیه ای که در شهر وان صادر کرده اتهامات را بی اساس دانسته و خواستار پایان دادن به این بی عدالتی در حقش روا داشته اند؛ شده است و می خواهد لکه ای که بر آبرو و حیثیت وی وارد شده توسط ارگانهای ذی ربط زوده شده و به اطلاع عموم برسد. همچنین دستور وزیر کشور جناب سلیمان اوغلو مبنی بر اعطاء شهروندی بر اساس شخصیت های استثنائی در مورد وی اجرا شود.

ما تورکهای ایران از جناب عالی می خواهیم این شخصیت مهم و مبارز راه تورکیت در ایران را که با مجاهدت هایش خود را به عنوان یک شخصیت استثنائی ثابت نموده است از اسارت نجات دهید. و باور داریم که رحیم جوادیبگلی از اشخاص متشخص و متخصص حوزه قفقاز و ایران بوده که در بین تورکهای ایران جایگاه ویژه ای دارد.

ما امضاء کنندگان ذیل و فعالان تورک در ایران از سیاستگذاران و مبارزین خود تلقی کرده و مواردی را که در مورد وی در سطور بالا به عرض رساندیم را تأیید کرده و خواستار حل موضوع از طرف مقامات محترم دولت تورکیه هستیم.

در پایان امضاء 1071 فعال مدنی تورک های ایران را که در تبریز زندگی می کنند و خواستار آزادی رحیم جوادیبگلی هستند به همراه جزوه زندگینامه وی به حضور تقدیم می داریم.

با تقدیم احترام ؛

فعالان مدنی تورک در ایران

مقاله جناب آقای ارطغرول
کالافات نویسنده مشهور
جمهوری تورکیه در مورد
رحیم جوادبَگلی



ارطغرل کالافات

31 اگوست 2018

رحیم جواد بَگلی در کشور تورکیه یک امانت
است.

اگر بخاطر بیاورید در سپتامبر 2012 در مجمع بزرگ حزب عدالت و توسعه که در دفتر حزب برگزار شد، جناب رجب طیب اردوغان این چنین بیان داشتند؛

"در سنت های ما مهمان مقدس است. در گذشته سفیر عثمانی هم در جواب حکومت های غرب که خواستار پناهندگان به سفارت شده بودند گفته بود؛ "این ها در دست ما امانت هستند و به شما تحویل نمی دهیم."

در همان سخنرانی با اشاره به تحویل پناهجویان آذربایجانی در سال 1945 که از دست پلم های استالین به تورکیه پناهنده شده بودند با صدای رسا گفتید؛ "روی پل برولتان همه آنها را تیرباران کردند و شما مسئول اصلی آن کشتار هستید."

وقتی جناب اردوغان این رویداد را تعریف می کرد زخمهای چندین ساله مان دوباره سرباز کرده و چشمهایمان خون گریه کرد. خاطره دردناک کشته شدن برادران مان روی پل برولتان که بسته بود و در حالی که از زیر پرچم ماه و ستاره نشان ما کاملاً عبور نکرده بودند، چطور می توانیم فراموش کنیم. بله جناب رئیس جمهور ما نمی خواهیم آن حادثه دردناک را دوباره تکرار کنیم به خاطر همین جواد بیگلی را به ایران برنگردانید.

حالا اگر بپرسید که رحیم جواد بیگلی که برای روابط ایران، تورکیه و آذربایجان مهم است کیست؟ به طور خلاصه برایتان شرح می دهم. وی لیسانس و فوق لیسانس خود را از انیستیتوی باکو (آ.م.ک.آ) در رشته حقوق و روابط بین الملل اخذ نموده است و دومین فوق لیسانس خود را در دانشگاه قاضی می خواند. وی به زبان تورکی استانبولی، عثمانی، عربی و انگلیسی مسلط می باشد. در ایران با انتشار مجله "مبارزه برای آزادی" تورکها را برای بیداری ملی دعوت می کرد. در سال 1977 با تاسیس انجمن حرکت ملی به فعالیت های آزادی خواهی خود ادامه می داد. به خاطر انتشار آثار سیاسی و ادبی در رابطه با تورکیت از طرف دولت ایران به سخت ترین مجازات محکوم شده است. با وجود حکم کمیساریای عالی پناهندگان مبنی بر عدم استرداد کسانی که آزادیشان تهدید می شود بعد از 4 سال زندگی در تورکیه روز پنج شنبه 2 آگوست 2018 دستگیر و برای استرداد به ایران در شهر وان نگهداری می شود.

شخصی مثل رحیم جواد بیگلی که پل محبت بین تورکیه و دنیای تورک بنا کرده است بعد از تسلیم به ایران معلوم نیست سرنوشت وی چه خواهد بود. ما با دست خودمان برادرمان را به سراغ مرگ می فرستیم. در حالی که خود وی می گوید اگر قرار باشد من اعدام شوم برادران من این کار را انجام دهند و از تحویل من به حکومت ایران خودداری کنند.

از اینجا می خواهم به تمام چهره های سیاسی و بروکراتیک دولت تورکیه و در راس آن به رئیس جمهور اعلام نمایم که رحیم جواد بیگلی افتخار و شرف تورکیه و دنیای تورکیت است. تورکها در طول تاریخ حتی دشمنان خود را که به آنها پناهنده می شدند تحویل نمی دادند.

رحیم جواد بیگلی مانند پرچم پر افتخاری است که در میدان نبرد ملازگرد به اهتزاز درآمده است. رحیم خیمه گاهی است که سلطان آلپ ارسلان در الحاح برافراشته است.

وقتی از 5 میلیون سوری که بعضی از آنها به جرم خیانت به کشور ما در دادگاههای تورکیه پرونده دارند، مثل یک عروسک معصوم گرفته و چون تخم چشمه‌ایمان از آنها محافظت می‌کنیم چطور می‌توانیم کسی را که از خونمان است و برای تورکیه هزینه داده است با دست خودمان به آتش بیاندازیم؟ کسی را که تحت نظارت سازمان ملل است. دیگر قلبه‌ایمان تحمل واقعه ای دردناک چون پل برولتون را ندارد. سرنوشت تورکها نباید بی‌خانمانی باشد.

جناب رئیس جمهور دیروز شما فریاد می‌زدید شما تورک هستید و باید از لیره تورک محافظت نمایید. من هم فریاد می‌زنم شما تورک هستید و باید از برادران تورک محافظت کنید.

مقاله جناب آقای عمر (عمور) قیزیل نویسنده مشهور جمهوری تورکیه در مورد رحیم جوادبگلی



تورکیت، الحاق گرایی، رحیم جواد بگلی

جنبش تورکیت با 150 سال سابقه از توسعه فرهنگی تا مبارزات استقلال طلبانه، از فعالیتهای مطبوعاتی تا تشکیل دولت، در حوزه های مختلف و گسترده ای فعالیت خود را ادامه داده است. به گفته گوک آلپ " تورکیت به معنای بیداری دوباره ملت تورک است."

وقتی به گسترش فرهنگ ملت تورک می اندیشیم، باید جغرافیای بزرگ و بسیار وسیع را در نظر بگیریم که سرزمین اجدادی تمامی تورکان جهان است. وقتی یوسوف آچورا تورکیت را به منزله یک شخصیت در نظر می گیرد منظور او خیلی فراتر از مرزهای دولت عثمانی است. به همین دلیل است که هدف تورکیت اتحاد تمامی تورکهای جهان است. برای درک کامل تورکیت به نقطه مرجع زمانی و مکانی تمامی جریانهای تاریخی ملت های تورک اشراف کامل داشته باشیم. از آنجا که تاریخ تورک به سبب جغرافیای وسیعی که جوامع تورک در آن ساکن هستند باید هم از نقطه نظر زمانی هم از نقطه نظر مکانی بررسی شود و مفاهیم زمانی یک

جغرافیای وسیع مانند سرزمین تورکها بدون درک مفاهیم مکانی امکان پذیر نیست. این ویژگی منحصر بفرد تاریخ تورک با ویژگیهای تاریخ تورکیت نیز عجین شده است. ایرردانتیزم (الحاق گرایی) واژه ایتالیایی است که به معنی الحاق دو ملت در صورت اشتراک زبانی، دینی، ملی و ... حتی خارج از مرزهای یک کشور است. تمامی حرکت‌های پان فعل الحاق گرایی را صرف می کنند. به عنوان مثال پان اسلاویزم، پان عربیزم، پان ژرمنیزم و

اما فرهنگستان تورک به جای الحاق گرایی کورتاریم‌جیلیق را (به معنای نجات دادن و اتمام کردن) انتخاب کرد. به سبب استفاده همه در این مقاله نیز من از واژه الحاق گرایی استفاده کرده ام.

وقتی به حوزه فرهنگی تورکیت با دقت نگاه می کنیم پدیده سرزمینهای از دست رفته ایده الحاق گرایی تورکیت را زیر سؤال می برد با این اوصاف تورکیت یک پدیده الحاق گرا نیست؟ جواب این سؤال بستگی به این دارد که ما چه تعریفی از تورکیت داریم.

ضیا گؤک آلپ واژه وطن را به سه مرحله تقسیم نموده است. حوزه جغرافیایی تورکیه، حوزه جغرافیایی اوغوز و حوزه جغرافیایی پان ترکمنیزم یا سرزمین توران. او که تورکیت را در حوزه جغرافیایی تورکیه مطابق با واقعیت می دانست با مشاهده رشد غیر قابل تصور تورکیت در این عصر آیا چنین نظری را باز تائید می کرد؟ تورکیت مرحله دوم (حوزه جغرافیایی اوغوز) اتحاد فرهنگی و سیاسی کشورهای تورکیه، آذربایجان، ایران، سوریه، عراق و اوغوزهایی که در کشور ترکمنستان ساکن هستند هدف قرار داده و به معنی واقعی کلمه ساختار اصلی الحاق گرایی را تشکیل می دهد. تورکیت مرحله سوم (حوزه جغرافیایی توران) نیز این واژه را در ابعاد و جغرافیایی وسیع تر یعنی تمامی سرزمینهای اجدادی تورکها را شامل می شود.

به همین علت است که روشنفکران و نویسندگان تورکیت، در اکثر سرزمینهای اجدادی از دست رفته توسط دولتهای حاکم در آن سرزمینها

تهدید شده و مورد حمله قرار می گیرند و حتی در برخی مواقع به قتل می رسند.

در تورکیتهی که ضیاء گوک آلپ مطرح نموده است تورکیته در حوزه جغرافیایی آناتولی شکل گرفته و نگاه به دنیای تورکیته با محوریت تورکیته انجام می شود در حالی که تورکیته به محوریت حوزه توران یک مرکز خاصی را برای محوریت در نظر نداشته است. از یک نقطه شروع نشده که به همان نقطه باز گردد. تقریباً در تمام سرزمینهای تورکها این تفکر همزمان شروع شده و از نقطه ای به نقطه دیگر نقل مکان داده و تکامل یافته است. در واقع وقتی تاریخ تورکیته را در صد سال اخیر از نظر سیاسی بررسی می کنیم تلاش برای تشکیل سه دولت با محوریت های آناتولی، قفقاز و ترکستان برمی خوریم که در یک زمان مشخص بوجود آمده و برای استمرار حاکمیت تورکها مبارزه می کنند و هر سه مرکز تاثیر بسزایی بر همدیگر گذاشته اند.

عملیات ارتش اسلامی قفقاز به محوریت باکو - تشکیلات اتحاد و ترقی و همچنین تشکیلات فداییان قفقاز در قفقاز، ایران، ترکستان و چین - کاسپها و کریمه ای های مسلمان در مجله ترجمان تمام تعاملات بین دنیای تورک را تحت تاثیر قرار می دهد.

امروز نگاه به تورکیته به محوریت آناتولی نگاهی اشتباه و دور از عقل است. زیرا تورکیته در دیگر وطن های از دست رفته مان رشد نموده و به موفقیت های بزرگی نائل آمده است. به ویژه تلاشهای جناب سلطان نظر بایف در قزاقستان توجه همه را به خود جلب نموده است. با توجه به اینکه قزاقستان بیش از پنجاه سال زودتر از دیگر مناطق تورک زیر استیلای روسیه در آمده بود ارزش کارهای بزرگ نظر بایف بیشتر درک می شود. در این برهه از تاریخ، تورکیته را نمی توان حرکتی نامید که با محوریت یک مرکز سعی در الحاق تمام سرزمینهای تورک به یکدیگر است. بر خلاف تصور معمول الحاق گرایی تورکیته سعی دارد مراکز مختلف تورک را از نظر معنوی متحد نماید و بالاتر از همه یک حرکت آموزشی و فرهنگیست. تنها عامل وحدت گرایی گرایشات فرهنگی و آموزشی است.

در غیر این صورت احتمال آسیملاسیون عناصر تورک در سرزمینهای از دست رفته بسیار زیاد خواهد بود. و از این جهت است که روشنفکران و نویسندگانی که رهبری این حرکات را در سرزمینهای اجدادی از دست رفته به عهده دارند بسیار مهم هستند. مانند رحیم جواد بیگلی از تورکهای آذربایجان جنوبی که تورکیت را وارد مرحله جدیدی کرده است. شخصی که میکرو ملی گرایی مثل کرکوک ، کریمه ، شرق تورکستان ، تبریز ، کابل را وارد مرحله سوم آن یعنی توران گرایی نموده است.

آیا تورک گرایی تلاش و فعالیت لازمه را برای آزادی جواد بیگلی خواهد کرد؟ اگر این طور باشد می توان به حاکمیت دوباره تورکها در سرزمینهای اجدادی از دست رفته امیدوار بود.

مقاله جناب آقای پروفیسور دکتر احمد بیجان ارجیلاسون (رئیس اسبق سازمان زبان و ادبیات تورک) در مورد رحیم جوادبگلی



رحیم جوادبگلی یک تورک آذربایجانی است .

همه با پدر برانسون مشغول هستند. در تورکیه به اتهام جاسوسی محاکمه خواهد شد. ایالات متحده امریکا با پیغامهای "او بی گناه است بفرستید بیاید" به تورکیه فشار می آورد و رهبران کشور ما از یک طرف از استقلال قضائی کشور دم می زنند و از طرف دیگر برای مذاکره با آمریکا هیئتی را رهسپار می کنند.

اما رحیم جوادبگلی یک تورک آذربایجانی است. به عبارت صحیح تر از آذربایجان جنوبی و از مرکز آن تبریز، بیش از ۴ سال است که در ترکیه زندگی می کند. تحت نظارت کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحده. این بدین معناست که نمی توان به کشوری فرستاد که آزادی وی را تهدید و یا از او صلب خواهد کرد، فرستاد.

روی کاغذ و قانون این طور است اما رحیم جوادبگلی در روز پنج شنبه دوم آگوست ۲۰۱۸ بدون سوال و جواب بازداشت شده و به کمپ استرداد پناهجویان وان انتقال داده شده تا به ایران برگردانده شود. در شرایط کاملا

ابتدایی و دشوار نگهداری می شود و اگر به ایران فرستاده شود معلوم نیست سرنوشت وی چگونه خواهد بود؟! کل مطبوعات و رسانه ها با صدای پدر برانسون بیدار شده و با صدای پدر برانسون به خواب می روند اما کسی در مورد سرنوشت و زندانی شدن يك تورك ایرانی خبری نمی نویسد.

رژیم ایران از رحیم جوادبگلی خشمگین است و حالا خطر بازگشت به ایران وی را تهدید می کند. ۴ سال بود که در تورکیه در امنیت زندگی می کرد علاوه بر آن يك پناهنده تحت حمایت سازمان ملل متحد است.

ما با رحیم چه ارتباطی داریم؟ اول از همه تورك بودن اوست که ما را مجبور می کند نسبت به وی حساس باشیم. دوم اینکه به خاطر شکوفایی و گسترش زبان و ادبیات و فرهنگ تورك تلاش می کند. می پرسید چطور؟ کسانی که با ادبیات سروکار دارند با نام امینه ایشین سو آشنایی دارند. دو رمان از او به نامهای "گلها رشد می کنند" و "ترانه های جمهوریت" هستند. به لطف وجود رحیم جواد بیکلی این دو رمان به آذربایجان رسید و با نامهای جدید در باکو منتشر شد. جوادبگلی مصیب اصلی چاپ بسیاری از آثار دیگر در آذربایجان و ایران و حتی کرکوک می باشد. ما به همین خاطر رحیم را می شناسیم و او را دوست داریم. او به مانند پلی است بین ما و دنیای تورك، در حال حاضر با دنیای تورك نزدیک به تورکیه، و در آینده ی نزدیک پای ما را به جهان دورتر باز خواهد کرد. اما متاسفانه الان در کمپ استرداد شهروندان نگهداری می شود و اگر به ایران برگردانده شود معلوم نیست سرنوشت وی چه خواهد شد.

ما به يك کشور عجیب بدل گشته ایم، شرایطی را که برایمان بوجود آورده اند این چنین است. در جلوی چشمانمان جزایرمان اشغال میشود سکوت میکنیم، پوتین کریمه را اشغال میکند و ما جیکمان در نمی آید. تورك های اویغور را که از ظلم کشور چین فرار کرده اند روزها در فرودگاه منتظر نکه می داریم، فعالیت های آزادی خواهانه تورك های اویغور را در کشورمان ممنوع می کنیم، تورکمن های عراق و سوریه که به کشور ما می آیند با هزار و يك گرفتاری دست و پنجه نرم می کنند اما میلیون ها

عرب با خیال راحت در کشور ما رفت و آمد نموده و همه ی امکانات را در اختیارشان قرار می دهیم و از تمام خدمات اجتماعی به طور مجانی برخوردار می شوند.

آیا همه ی این اتفاقات عجیب نیستند؟ می توانیم باور کنیم که به عنوان يك کشور تورك هستیم؟ یا خود را در يك کشور عربی حس می کنیم؟ علت این ضدیت مان با تورك و اعمال ضد توركمان چیست؟ کجا رفته است مهمان دوست بودن توركها؟ آخر ما در طول تاریخ جوانمرد بودیم و کسانی که به ما پناهنده شده بودند باز پس نمی گردانیم. ما در حال ساختن يك سریال یا فیلم سینمایی هستیم؟ برای نشان دادن خصایص والای توركها. اما وقتی به عالم واقعیت می آییم به هیچ دولتی زورمان نمی رسد. سفارت چین و یا ماموری از کنسولگری می گوید این گردهمایی را با نام توركستان شرقی بر گزار نکنید. فوراً خبری از اداره امنیت و یا اداره ی دیگر دستور لغو کنفرانس صادر می شود و کنفرانس لغو می شود.

آیا این به نفع حیثیت و شرافت دولت ماست؟

کی می خواهیم حیثیت و شرافت را از دولتها و کشورهای دیگر یاد بگیریم. ایران فشار می آورد رحیم جواد بیلی را بگیرد و برگرداند. نگه داری از این فرد که تحت نظارت سازمان ملل است حیثیت ملی ماست. اگر جرمی مرتکب شده محاکمه اش بکنید. چرا به کمپ استرداد پناهجویان میفرستید؟

راستش من از ارگانهای اطلاعاتیمان هم تعجب می کنم. نگاه می کنیم و می بینیم در تلوزیون به مقامات بلند پایه اطلاعاتمان با زبان پ.ك.ك صحبت کرده در اسلو با مقاماتشان دیدار می کند و بعضی از اعضاء ارگانهای اطلاعاتی از ایمرالی به قندیل نامه رد و بدل می کنند.

همه ی ما آرزو می کنیم که موسسات امنیتی ما به تورکیت و دولت تورکیه وفاداری خود را نشان دهند و باور داریم اکثریت اعضاء امنیت

کشورمان این گونه هستند. اما روی سخن من با آنهاست که به جای اتکا به خود به جاهای دیگر متکی هستند و رفتارهایی متفاوت با انسانهای وطن پرست دارند.

رحیم جواد بگلی يك تورك آزربايجانی است و حق دارد مهر و محبت توركها نسبت به خود را ببیند.

مقاله جناب آقای یحیی آذر او غلو معاون دبیرکل آسکف



بزرگ مرد مبارز رحیم جوادبگلی

همانطور که از عنوان مقاله مشخص است رحیم جواد بگلی در شهر تبریز که متعلق به 40 میلیون تورک آذربایجانی است بدنیا آمده است. وقتی از تبریز نام می برم از جغرافیای مقدسی سخن می گویم که همیشه مورد احترام تورکها بوده است. نوجوانی، جوانی و بهترین روزهای عمرش را در این سرزمین مقدس سپری نموده، درس خوانده، تحصیل نموده و مدارج علمی را پشت سر گذاشته است. مانند هر انسان با سواد و عاقلی علت های ممنوعیت زبان مادریش تورکی را در ایران زیر سؤال برده است. در جوانی خود را در میان حرکت ملی و معنوی تورکهای ایران یافته و تمام تلاش خود را برای تسریع در مبارزات به حق ملت خود به کار بسته است.

با کمک دوستانش و همفکرانش در تبریز مجلاتی در ارتباط با تورکیت انتشار داده و به خاطر این از طرف دولت ایران به دفعات دستگیر شده و مورد بازخواست قرار گرفته است. وی با فعالیتهای خود توجه همه را به خود جلب نموده بود و به این علت به سخت ترین مجازاتها محکوم شد. وی برای نجات جان خود و همچنین چون فکر می کرد این مبارزه را در آذربایجان و تورکیه راحت تر به پیش خواهد برد خود را از طریق غیر قانونی به جمهوری آذربایجان شمالی رسانده و به صورت رسمی به پناهندگان تحت حمایت کمیساریای عالی حقوق بشر می پیوندد. دو بار پیشنهاد زندگی در آمریکا را که از طرف سازمان ملل به وی داده می شود رد نموده و اعلام می دارد که می خواهد در تورکیه به زندگی خود ادامه دهد. شخصی که پنج سال است به عنوان پناهنده در تورکیه زندگی می کند بنا به درخواست دولت ایران دستگیر و برای استرداد به ایران در کمپ پناهجویان شهر وان نگهداری می شود. تحمل زندگی مشقت بار این مرد بزرگ قلب بنده و تمام کسانی را که از موضوع مطلع هستند به درد آورده است.

روی سخن من با آن روشنفکر نمایانست که با شعار همه ما تورکیم و همه ما ارمنی هستیم خود نمایی می کردند. و همچنین با آنها بیست که به اسم ملی گرا با ما نشست و برخواست کرده و از منافع ملی گرایان ارتزاق می کنند. چرا گوشه‌ایتان را برای صدای آزادی خواهی رحیم جواد بیگلری بسته اید و خود را به نشنیدن زده اید؟ کجایند انجمنهای فرهنگی آذربایجانی که در تورکیه فعالیت می کنند؟ کجایند دیازپورای آذربایجان که در تورکیه فعال هستند و کسانی که مسئولیت دیازپورا را به عهده دارند؟ کجایند فعالان آذربایجان جنوبی که در آذربایجان جنوبی و تورکیه زندگی می کنند؟ کجایید و چرا صدایتان در نمی آید؟

متاسفم برای همه تان و متاسفم برای خودم که تازه فهمیدم هدفتان از تشکیل چنین انجمنهایی فقط و فقط خود نمایی بوده سرنوشت دیگر فعالان برایتان مهم نبوده و نیست. شرم بر شما باد که برای کسی که عمرش را برای مبارزه در راه تورکیت و احقاق حقوق تورکها داده در این شرایط دردناک کاری نکردید.

دیدگاه جناب آقای احمد یانار نویسنده و استاد دانشگاه در رابطه با رحیم جواد بگلی



دوستان عزیز در این مقاله قصد دارم یکی از شخصیت‌های نادر و مهم صد سال اخیر تورك های ایران را به شما معرفی کنم.

رحیم جوادبگلی مردیست مبارز و روشن فکر که در تاریخ ۱۹۷۶ در شهر تبریز به دنیا آمده و خمیر مایه تفکراتش تورکیت بوده و دانشمندی است که زندگی اش را صرف احیای تورکیت در ایران نموده است

در حال حاضر در یکی از استانهای کشورمان (کمپ استرداد پناهجویان شهر وان) در انتظار بازگشت اجباری به ایران است.

رحیم جوادبگلی روشنفکری است که به خاطر مبارزه با سیستم پانفارسیتی که می خواهد تورکیت را از سرزمین و زادگاه پدرانش تبریز بزدايد و مبارزه ی هويت خواهانه ی ۴۵ میلیون تورك را خاموش کند به شدیدترین مجازات از طرف حکومت ایران محکوم شده است و ۱۵ سال است که در تبعید زندگی می کند.

دوستانش زمینه‌ی فرار وی را از ایران به جمهوری آذربایجان فراهم آورده و هشت سال زندگی خود در باکو را صرف مبارزه برای احقاق حقوق ملت تورک نموده و وقتی خانه‌اش توسط دشمنان تورکیت سوزانده می‌شود مجبور می‌شود به گرجستان مهاجرت کند و در دو سال حضور او در کشور گرجستان برای پویایی تورکیت و اسلامیت در قفقاز ایران به تحقیقات و پژوهش‌هایش ادامه می‌دهد.

با افزایش اعمال فشار دشمنان تورکیت در گرجستان مجبور می‌شود جانش را به خطر انداخته و به صورت قاچاق خود را به ترکیه برساند. و ۵ سال است که تحت حمایت سازمان ملل متحد در ترکیه به عنوان پناهنده زندگی می‌کند. دو بار درخواست اعطای شهروندی کشور آمریکا در راستای کمک به وی را به خاطر اینکه باور دارد در ترکیه راحت‌تر می‌تواند به احیای دوباره‌ی تورکیت در ایران تأثیر داشته باشد رد نموده است. رحیم جوادیلی یک محقق تورک و توران است که در رشته حقوق بین‌الملل تحصیل نموده است. زندگی در تبعید هر اندازه‌ای که بر وی سخت گذشته باشد بر اراده آهنینش در راه رسیدن به هدفش خللی وارد نکرده است، این برادر تورکمان صدها مقاله و کتاب و پژوهش در مورد تاریخ تورکها به رشته تحریر در آورده است. رحیم جوادیلی زبانهای تورکهای ایران، آذربایجان، گرجستان و ترکیه را در سطح‌های عالی میداند و به‌طور متوسط با زبان انگلیسی و عربی آشنایی دارد. و در عین حال زبان تاریخی تورکهای عثمانی را در سطح عالی می‌خواند و می‌نویسد.

یک کارشناس و متخصص بزرگ در مسائل سیاسی ایران _ قفقاز و خاورمیانه بوده و در مورد تاریخ تورکیت در ایران دارای معلومات وسیع دانشگاهی است.....

دفاع از آزادی رحیم جوادیلی دفاع از حیثیت و شرف تورک می‌باشد.



دیدگاه جناب آقای دکتر نظمی افشار موسس و سخنگوی کنگره تورکان ایران درباره شخصیت مبارز رحیم جوادبگلی

دوست عزیزم جناب رحیم جواد بگلی فردی است مبارز، ملی، مستقل و به آنچه می گوید و مینویسد ایمان کامل دارد. توطئه علنی مدعیان ملت پرستی و ملی گرایی، برای نابودی او، با همکاری تشکیلات امنیتی ایران صرفاً بدلیل همین صفات بارز اوست که در دخمه متعفن خیمه شب بازی های خودفروشان حاضر در صحنه، خصائلی نایاب و ناممکن است.

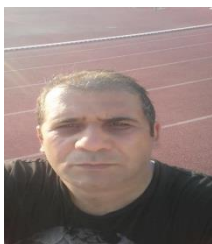
رحیم تحقیقاتی را آگاهانه شروع کرده است که می تواند آگاهی ملی ایجاد کند. چیزی که دشمنانم ان نمی خواهند. رحیم "بازخوانی تاریخ" می کرد در حالیکه دشمنان ما می خواهند تاریخ سیاه ما را باز بدست خود فروشان خودی تکرار کنند. آنها برای ملت ما هیجان کاذب، مصاحبه های مضحک، ادعای های رهبری چندش آور، شعارهای مغایر ذهنیات و روحیات ملتمان و هر عاملی که بتواند بدنه اصلی ملت تورک ایران را در هر خطه و سرزمین که هستند با "حرکت" بیگانه، از حرکت منزجر و منزوی، از

تغییر های ضروری هم وحشت زده کرده، و آنها را بیشتر بدامان جمهوری اسلامی سوق داده، هویت "تورک" را نابود و در غایت، بقایای "خاخام منشان" را به تنها گزینه جهانی تبدیل کنند.

اسارت رحیم جواد بگلو، مولود دسیسه ای شیطانی، توطئه ای مافیایی و عملی غیر انسانی است که ضمن تنبیه یک محقق راستین قرار است "زهر چشمی" برای رحیم های دیگر باشد. ولی کور خوانده اند. هر ثانیه که از استمرار تمرد و تجاوز بحقوق انسانی و بین المللی رحیم میگذرد، دهها رحیم مصمم تر، مجرب تر و آگاه تر خلق میشود.

یاشاسین رحیم قارداش_ یاشاسین تورک _ یارانسین تورک دونیاسئ

جناب آقای حسن کریم زاده شاعر، روزنامه نگار و فعال مستقل حرکت ملی



2018 Augustos 16

رحیم جواد بگلی تنها نیست/حسن کریمزاده

متأسفانه انتشار خبر بازداشتی رحیم جواد بگلی باعث ایجاد واکنش های متعدد در میان فعالان حرکت ملی شده است از نظر ما صدور حکم های خودبافته و فرضیه های گوناگون در فضای مجازی اشتباه محض است اما می توانیم بصورت مختصر و مفید بنویسیم: ترکیه سرزمین و کشور حقوق است و در باره رحیم بی جواد بیلی هم باید نوشت: از فعالان شناخته شده حرکت ملی و محقق توانا است.

پس بهترین راه حل اینست برای اینکار وکیل گرفته شود و با استناد بر گفته های وکیل قضاوت شود مطمئنا گروه های مردم نهاد در ترکیه توان تاثیرگذاری دارند منتهی هم گروه های مردم نهاد و هم پلیس و دیگر ارگان ها تابع حقوق هستند در ترکیه پیمان عارف دنیورت نشد و تحویل کشور ثالث شد امیدواریم در حق رحیم بی این اتفاق هم بیفتد.

اما در زیر به شرایط عمومی پناهندگان حرکت ملی می پردازم و با اندک دقت متوجه خواهیم شد رحیم بی گرفتار کدام شرایط بغرنج شده است لذا متهم کردن ترکیه کاری از پیش نخواهد برد بلکه علت در درون ما خفته

است و عاجزانه درخواست دارم گفته های بنده را قبول نکنید بلکه استارت "نئوبیداری" و تحقیق را در خودمان و در حرکت ملی مجددا بزینم.

من بصورت اشاره ای از وجود مافیا در این رابطه بحث خواهم کرد:

(عارف اودور اشاردن سوز قانا

آچیلیب دویمه لر آ یاخا_یاخا)

آیا می دانید فعال و روزنامه نگاری که در داخل کلی هزینه داده و بعد از پناهنده شدن در جمهوری آذربایجان جهت امرار معاش در دفتر یکی از اشخاص معروف (پروفسور...) مشغول بکار می شود اما از داخل (ایران) مدام سفارش می فرستند و او را عامل اطلاعات معرفی می کنند و نهایت فعال پناهنده شده مجبور می شود از آنجا طرد شود؟ آیا درد وطن باعث فرستادن چنین سفارش ها شده است؟ پس چرا در حق فامیل های فلانی... یک جمله سفارش هم ندارد؟

آیا می دانید پرونده های با محتوای همجنس بازی و مسایل اجتماعی بسیار راحت تر از فعالان حقیقی حرکت ملی دوران پناهندگی خود را می گذرانند؟

آیا می دانید ده ها نفر بدون اینکه کوچکترین فعالیتی در حرکت ملی داشته باشند بدون اینکه متحمل سختی شوند بخاطر وصل به بدنه مافیای حرکت ملی در یک چشم بهم زدن شهروند آمریکا شده و از امتیازهای حرکت ملی برخوردار می شوند و بعنوان فعالان سیاسی به مراکز لابی معرفی می شوند و چون توان لابی گری ندارند فقط از امتیازش استفاده می کنند و امکان پیشرفت از حرکت ملی سلب می شود و بعد به سیبیل فعالان واقعی قاه قاه می خندند؟

آیا می دانید تمامی کسانی که تابحال تخریب شده و می شوند از فعالان واقعی هستند اما حتی یکی از این ده ها نفر متصل به مافیا تابحال تخریب نشده اند؟

سوال می شود یعنی این ده ها نفر بخاطر فشار جمهوری اسلامی به خارج پناهنده شده اند پس چرا در دایره المعارف حرکت ملی صفحه مخصوص فعالیت آنها سفید سفید است؟

یعنی فهم این حقایق اینقدر گنگ است که هنوز عده ای در داخل سینه زنان دربار این باند مافیایی هستند و حتی در این اواخر با زمینه چینی برای ائتلاف پرچمی به خدمت مجدد این مافیا درآمدند و تجدید بیعت کردند؟

دوستان عزیز لطفا "بالابان" را برعکس ننوازید علت گرفتاری رحیم جوادبگلی را در این موارد بررسی کنید:

رحیم بگ فعالی دارای اندیشه و صاحب قلم در زمینه حرکت ملی بالغ بر 15 سال است در تبعید روزگار می گذراند و از خود بپرسید چرا در این 15 سال در کشور ثالث شهروند نشده است؟ از خود بپرسید وی گرفتار چه شرایط وحشتناک نشده است؟ اما در عوض اعضای متصل به باند مافیا بعد از 6 ماه الی 2 سال ساکن آمریکا می شوند. دوست عزیز اگر توان دارید از این تبعیض ها بنویسید و در ادامه اگر وجدان ملی دارید علت گرفتاری رحیم بگ را در این شرایط تحمیلی برای حرکت ملی بجویید.

شما طبع شعر خود را شارژ کنید و برای این شعر بسراید رحیم بی با آن فعالیت 15 سال آواره ماند اما فامیل های فلانی الان شهروند آمریکاست و در داخل مهره های دارند که در طول این 15 سال بدفعات با خلق شرایط التهایی برای این قضیه انحراف داده و اجازه نداده اند تا همه بدانند "رحیم جواد بیلی تنها نیست" و ده ها فعال ملی هم اکنون همچون رحیم بی بخاطر دست اندازی باند مافیا گرفتار هستند (لطفا تحقیق کنید).

دوست عزیز در محافل تریبون را بدست گرفته و بر این رمان حرکت ملی شعر بخوانید و اندکی هم پتک غیرت را بر وجدان ملی خود بکوبید که چرا به صورت غیر مستقیم به خدمت این باند مافیا در آمدید.

من آدرس علت گرفتاری عمومی در حرکت ملی و رحیم بی را دادم و از همگان دعوت می کنم وارد تحقیق شوند بدون شک با مام جنایت های عمومی خفته در بدنه حرکت ملی بیشتر آشنا خواهید شد.

پ،ن: در میان پناهندگان حرکت ملی افرادی حتی به ایران رفت و آمد دارند و از طرف باند مافیا هم حمایت می شوند این شات اسکرین نیست بلکه با پاسپورت و از راه گمرک صورت می گیرد.

جناب آقای دکتر محمد زوار کاندیدای اسبق شورای اسلامی شهر تبریز



رحیم جوادبگلی یک مبارز نستوه و دگر اندیش واقعی است

2018 Ağustos 22

با نگاهی به تاریخ تمدن بشری چنین استنباط می شود که، اقوام و ملل بزرگ تورک جهت ایجاد و حفظ، حقوق انسانی، عدالت و آزادی نوع بشر اقدام به تاسیس دولتهای بزرگ تورک تبار نموده اند. جوهره و اساس این حاکمیت ها بر مبنای دفاع از ارزش ها و هنجارهای جوامع تورک بوده و حقوق و کرامت انسانی جایگاه رفیعی در شکل گیری و قدرتمندی این نظام های سیاسی داشته است. از میان این ملت های باعظمت، تورکهای ایران نقش بسزایی در بنیان گذاری دولتهای بزرگی همچون: سلاجقه، صفویه، افشاریه و قاجاریه داشته اند. دولتهای مزبور با تکیه بر عقلانیت، خرد جمعی و روح ملی، توانسته اند میراث دار تمدن بشری بوده و نسبت به اعتلای فرهنگ و تمدن غنی خود گامهای بلندی بردارند. ویژگی بارز این حکومتها که موجب تمایز آنها از سایر دولتها می گردید، احترام به حقوق،

اعتقادات، افکار و باورهای فکری و فلسفی تمام ملل ساکن در جغرافیای سیاسی خود بود. در واقع همین فاکتور عامل اساسی قدرتمندی این حکومتها به شمار می رفت.

با تغییر مناسبات جهانی قدرت در قرن بیستم و آغار روند رو به اضمحلال اقتدارهای تورک، خاورمیانه عرصه کشمکش قدرت های جهانی گردید. به تبع آن این منطقه تبدیل به عرصه جولان قدرتهای فرا منطقه ای گردیده و شاهد دگردیسی های ژرفی شد. جبهه بندیهای جدیدی شکل گرفت و انسجام جوامع از هم فرو پاشید. در این بین، طیف انبوهی از کنشگران سیاسی نیز صف بندیهای جدیدی تشکیل داده و منافع سیاسی خود را در اقدام مشترک با طرفین رقیب تعریف نمودند که منجر به تشکیل نحلّه های سیاسی جدیدی شد.

اما در این میان، همواره بودند کسانی که با بینش و شعور ملی مستقل از مراکز قدرت، سعی در واکاوی مسائل و ریشه یابی مشکلات بوجود آمده ناشی از تغییرساختار و بافت حکومت ها داشته و دارند. دگر اندیشان مزکور با تکیه بر قدرت اندیشه و زدودن قرائت رسمی از چهره تاریخ، سعی در روشن نمودن حقایق و تنویر افکار عمومی ملت خود نسبت به هر آنچه که در قرن گذشته بر آنها روا داشته شده است، نمودند. بی شک رحیم جواد بگلی نیز یکی از این دگر اندیشان می باشد. وی محقق و تاریخ نگاری توانا، تیز بین و مستقل دنیای تورک است که با اسناد، شواهد و قرائن موجود در آرشیو دولتهای تورک سعی در شناساندن بازی بزرگی که در خاورمیانه در جریان است، می باشد. به شهادت نوشته ها او یک انسان آزاده و مبارز، یک تورک ایرانی، یک مسلمان و یک تاریخ نگار برجسته است که عمری در راستای اعتلای مجد و عظمت تورکان سپری نموده و قلم فرسایی کرده است. زندگی وی همچون دیگر همفکرانش سرشار از حب وطن، مبارزه در راه آزادی و زیستن در غربت به مثابه شکلی از مبارزه است. چنین انسانهایی جزو ذخایر مادی و معنوی بشریت به شمار می روند.

وی از قریب به پنج سال پیش مشغول تحقیق و تاریخ نگاری و چاپ کتاب در ترکیه بوده و در چند روز گذشته به دلایل نامعلوم از سوی دولت این کشور با شرایط غیر معمولی مواجه گردیده است. بر تمام انسانهای وارسته و صدیق، مبارزان راه آزادی، تشکیلات ها و احزاب، سازمانهای حقوق بشری و در راس آنها افراد وطن دوست و احزاب حامی حقوق تورکها در اطراف و اکناف جهان واجب عینی است تا از حقوق وی دفاع نموده و نسبت به رفع تمامی محدودیت های رفته بر ایشان اقدام نمایند. رحیم باید به آنجایی برگردد که بدانجا تعلق خاطر و ما به بودنش نیاز عاجل داریم یعنی: کتابخانه اش.

ترجمه نامه سرگشاده خطاب به مسئولین رده بالای تورکیه

گونتای قیزیل قایا

جناب آقای رجب طیب اردوغان رئیس جمهور و دبیرکل حزب عدالت و توسعه و وزرای محترم کشور و امور خارجه، نمایندگان محترم مجلس بزرگ تورکیه، جناب آقای دولت باغچه لی دبیر کل حزب ملیتچی خلق

با سلام و احترام

همان طور که مستحضر هستید رحیم جواد بیگلی مورخ و مبارز نام آشنای حرکت ملی آذربایجان جنوبی مدت 6 ماه است که از طرف اداره مهاجرت کشور تورکیه دستگیر و در کمپ پناه جویان شهر وان زندانی است. وی یکی از بارزترین شخصیت های جنبش تورکیت در ایران است. که برای استیلا دوباره تورکیت در ایران به صورت کاملاً مدنی و صلح جویانه مبارزه می کنند. این مبارز و دانشمند بیش از سی سال عمر خود را برای شناساندن تاریخ واقعی تورکهای ایران که از طرف دشمنان این ملت تحریف شده صرف نموده است.

دلایلی که برای دستگیری ایشان در زمان دستگیری مطرح شده مانند وصله ای ناجور است که به هیچ عنوان به ایشان نمی چسبد. رحیم جواد بیگلی تروریست نیست و هیچ وقت عملی را مرتکب نمی شود که منافع ملی تورکیه را تهدید کند بلکه همیشه و همه حال نسبت به منافع ملی کشور دوست و برادر حساس بوده و در همه حال اعمال و رفتارش در راستای منافع ملت تورک و تورکیت بوده است. سیستم آموزشی آلب ارن سر آمد کارهای علمی است که در راستای منافع ملی تورکها انجام پذیرفته است. به خاطر می آورم نوشته این مبارز عزیز را که در راستای منافع تورکیه مقاله ای تنظیم نمود که از رئیس جمهور کشور آذربایجان خواست به شعار یک ملت و دو دولت جامه عمل پوشانیده و تمام تلاش خود را

برای از میان برداشتن بحران بوجود آمده در روابط تورکیه و روسیه را به کار گیرد. هم چنین مقاله ای که در نشریات تورکیه انتشار یافت و در آن به لزوم هم بستگی حزب عدالت و توسعه با حزب میلتچی خلق در راستای منافع تورکیه در این برهه حساس زمانی اشاره نموده بود. قیل از آنکه حرفی از پیوند این دو حزب در جامعه مطرح باشد. پس به ما حق بدهید که نتوانیم قبول کنیم فردی که آنقدر به مسائل ملی کشور حساس است عملی را انجام دهد که منافع ملی را نقض کند و اگر چنین عملی انجام گرفته آیا بهترین راه محاکمه در دادگاهی علنی با حضور مطبوعات و رسانه های مختلف نیست؟ و لازم نیست به حساسیت مبارزین و فعالان حرکت ملی آذربایجان و تورکهای ایران نسبت به مسائل کشور دوست و برادر تورکیه اشاره نمایم که شما بهتر از من می دانید که جوانان و فعالان حرکت ملی آذربایجان جنوبی منافع ملی تورکیه را مانند منافع ملی خود دانسته و برای دفاع از آن آمادگی دارند. شخص مبارزی مانند رحیم جوادبیگلی که عمر خود را برای هدف والای خود صرف نموده است برای هر گونه اتفاق ناگوار آمادگی دارد و مقامات عالی کشور برادر تورکیه واقفند به اینکه چه سختی ها و مشقتهایی در طول سالیان عمر این غیورمرد از طرف دشمنان قسم خورده تورکیت متوجه وی و خانواده اش بوده است. از زندان و تبعید گرفته تا آتش زدن محل سکونت وی در جمهوری آذربایجان که منجر به سوختگی شدید در قسمتهای مختلف بدن وی شده بود.

این جانب نیز در کشور ایران به خاطر دفاع از آرمانهای ملی ام زندانی بوده ام و تا آنجا که برایم مسجل شده است صدمات و آسیبهای اصلی ناشی از زندان متوجه خود زندانی نیست بلکه آلام و دردهای اصلی متوجه پدر و مادر و همسر و خانواده زندانی است. به این دلیل که پدر و مادر و خانواده آمادگی مواجهه با چنین مصیبت سنگینی را ندارند. عالی جنابان هدف من از نوشتن این مکتوب قاصر این بوده که می خواستم به این نقطه اشاره نمایم که تبعید و فراق فرزند به حد کافی کمر پدر و مادر این مبارز را خمیده و پیرشان کرده است. و اگر نگران روزها و ایام عمر تلف شده این نویسنده آذربایجانی نیستید به پدر و مادرش رحم نموده و بیش از این مصیبتها و دردهای آنان را زیاد نکنید. پدر و مادر رحیم جواد بیگلی به خاطر اینکه فرزندشان در تورکیه است و امنیت دارد دلخوش بودند استدعا دارم امید آنها را به یاس تبدیل نکنید. از تمام کسانی که سرنوشت دنیای تورکیت برایشان مهم بوده و برای آن تلاش می کنند عاجزانه می خواهم برای آزادی رحیم جواد بیگلی اقدام نموده و موجبات خرسندی پدر و مادر وی را فراهم نمایند و این اطمینان را می دهم که دعای خیر مادران فعالان مدنی

آذربایجان جنوبی و تورکهای ایران تا آخر عمر متوجه شما خواهد بود. در پایان به عنوان عضوی از فعالان مدنی آذربایجان جنوبی و تورکهای ایران از کلیه مقامات دولتی و نمایندگان محترم مجلس و اشخاص حقیقی که برای آزادی ایشان تلاش نموده اند صمیمانه تشکر و قدردانی می نمایم . خداوند نگهدار تورکیت باشد.

با تقدیم احترام

**مصاحبه با رحیم جواد بگلی در کمپ استرداد
پناهجویان شهر وان**

جناب آقای رحیم جواد بگلی بفرمایید توضیح دهید چطور و توسط چه ارگانی دستگیر شدید؟

در این ارتباط در رسانه های تورکیه به حد کافی صحبت شده و این مسئله در سطح مقامات بلند پایه دولت تورکیه مورد بررسی قرار گرفته و در اطلاع عموم قرار گرفته است اما اگر مایل به شنیدن از زبان خودم هستید عرض میکنم. برای کاری به دفتر ثبتی در آنکارا مراجعه کرده بودم که در آنجا به بنده گفتند که سیستم کامپیوتری وقت اقامت شما را تمام شده نشان می دهد. در حالی که کارت اقامت من تا پایان سال اعتبار دارد برای حل موضوع به اداره مهاجرت رفتم و آنها مدرکی دال بر محل اقامتم را خواستند که در مراجعت برای ارائه مدارک به من گفتند که استاد لطفا ده دقیقه صبر کنید. و ما نشستیم و بعد از ده دقیقه ماموری آمد و گفت مدیر دیر کرده است و کار در حدود ده الی پانزده دقیقه به طول خواهد انجامید و مجبورا باید منتظر بمانید در حدود ده یا پانزده دقیقه دیگر نشستیم که ماموران پلیس رسیدند و گفتند: استاد با ما به اداره امنیت «نجاتی بی» خواهیم رفت که قبل از رفتن به اداره امنیت ما را برای معاینه پزشکی به بیمارستانی برده و بعد از معاینه سرپایی به اداره امنیت «نجاتی بی» بردند. و در آنجا در حضور دوستان و وکلای اینجانب معاون اداره امنیت به ما توضیح دادند که اداره مهاجرت با ادعای «گ» 87 دستور داده است که شما را تحت نظر بگیریم. این مسئله نزدیک به دو ساعت طول کشید و به علت پایان وقت اداری کاری از دستمان بر نیامد. فردای آن روز دوستان ما در ارتباط با موضوع به مراکز مختلف از جمله مجلس ملی، ریاست جمهوری، ریاست اداره مهاجرت و وزارت کشور مراجعه نمودند و نهایتا بعد از سه روز بازداشت ساعت 12 ظهر روز سه شنبه قرار بازداشت از طرف اداره مهاجرت توسط پلیس به ما رسید.

ادعای اداره مهاجرت چه بود؟

ادعای اداره مهاجرت بند ب و د ماده 54 یعنی تشکیل و هدایت گروه تروریستی و ایجاد خطر برای امنیت ملی بوده است.

سند آنها دال بر این ادعا چه بود؟

چنین ادعایی مضحک و بی اساس است.

تا جایی که ما اطلاع داریم زندگی شما در تحقیق و بررسی پیرامون تاریخ ملت تورک خلاصه می شود چطور چنین ادعایی مطرح می شود؟

عزیز من، رحیم جوادیبگلی 30 سال عمر خود را برای ملت تورک صرف نموده است. مرد مبارزه است و از خیلی از نمایندگان عزیز مجلس ملی تورکیه که مورد احترام این جانب هستند بیشتر برای سرنوشت ملت ترک هزینه داده است. این ادعا چیزی جز توطئه نمی تواند باشد. پشت این توطئه چه کسانی هستند و یا چه مسئله پشت پرده ای وجود دارد که ما از آنها بی اطلاعیم. این مسئله چطور و از کجا ناشی می شود ما هنوز بی اطلاعیم. و به خاطر همین با احتیاط با موضوع برخورد می کنیم. تا دولت تورکیه خود وارد عمل شده و مسئله را به نحو احسن حل نماید. سی سال مبارزه اینجانب مثل خورشید تابناک و مثل روز روشن است.

استاد تا آنجایی که ما با شما آشنایی داریم و صحبت‌هایی که به کرات با شما داشتیم امنیت ملی تورکیه همیشه مورد نظر شما بوده است. در فضای مجازی این طور مطرح شده بود که گفته اند فعالیت‌های شما بر علیه امنیت ملی تورکیه می باشد در این ارتباط چه توضیحی دارید؟

همان طور که گفتیم اتهام مطرح شده از طرف اداره مهاجرت بندهای ب و د ماده 54 هستند و در ارتباط با این اتهام یک سند و مدرک ممکن نیست وجود داشته باشد و اگر بود یک ماه هست که در اختیار اینها هستم و تا الان با وجود اسرار وکلایمان هنوز اداره مهاجرت سند ارائه ننموده است. در حال حاضر 4 وکیل در این خصوص فعالیت می کنند دو نفر از آن ها در شهر وان مستقر هستند و دو نفر در آنکارا هستند. و هنوز چرایی مسئله برای مان آشکار نشده است. تنها این را می دانیم که توطئه یک عده بر علیه منافع 45 میلیون تورک ایران و بر علیه رحیم جوادیگلی در جریان است.

آیا استرداد شما به دولت ایران مطرح بوده است؟

بله عرض می کنم. بعد از اینکه در ساعت دوازده این حکم را دادند و گفتند استاد باید امضا کنید بعد از مذاکره با وکلایم از امضا قرار اداره مهاجرت امضا کرده و یک یادداشتی دال بر [قرار اداره مهاجرت را قبول ندارم و از امضا آن خودداری میکنم] نوشتم. باید یادآوری کنم که در اداره امنیت با ما با احترام برخورد کردند و در اینجا از معاونت اداره امنیت نجاتی تشکر می کنم. باید خاطر نشان کنم که شماری از افراد متشخص و مورد احترام جامعه به اداره امنیت آمدند و گفتند که استاد را به ما تحویل بدهید در زمانی که خواستید به شما تحویل می دهیم و ایشان در اینجا نمانند که با مخالفت اداره مهاجرت همراه شد. نزدیک عصر از دوستان پلیس اطلاع دادند که فردا صبح شما را از اینجا خواهند برد به کجا و چگونه و چه کسانی شما را مشایعت خواهد کرد اطلاعی نداریم. و ما به دوستانمان اطلاع دادیم و به این نتیجه رسیدیم که کاری از دستانم بر نمی آید. در ساعت 6:30 ما را به اداره مهاجرت بردند و اداره مهاجرت تعطیل بود. با تلفن به آنها اطلاع دادند که به فرودگاه اسن بوغا بیایید و ما را به فرودگاه مذکور بردند و تا فرودگاه حتی نیروهای پلیس نمی دانستند قرار هست ما را به کجا بفرستند. پرواز داخلی است یا خارجی؟ در آنجا دو لباس شخصی بنده را از پلیس تحویل گرفتند و من به آنها گفتم که تا بلیط را نینیم سوار هواپیما نخواهم شد و آنها اطمینان دادند که پرواز داخلی است و ما با

هوایما در حدود ساعت 9 به شهر وان رسیدیم. در این دو ساعت رفتار لباس شخصی‌ها بسیار با احترام بود و کوچکترین بی‌احترامی به بنده روا نداشتند. دو سه ساعتی در وان بودیم سپس ما را به کمپ پناهندگان قوروباش بردند در روز هفت آگوست به وقت ظهر در کمپ من را تحویل گرفتند و نزدیک عصر مدیر کل شهر وان به زیارت بنده آمدند و به بنده گفتند که استاد مسائلی وجود دارد و تا روشن شدن موضوع مهمان ما خواهید بود. نگران نباشید برای راحتی شما اقدامات لازم انجام خواهد شد. بعد ما را به مدیریت کمپ فرا خواندند و ایشان نیز به همان موضوع تاکید کردند. و الان یک ماه هست که در کمپ هستم و قبل از آمدن به اینجا تلفن همراه مرا گرفته‌اند و تنها ارتباط من با خارج گه‌گداری با تلفن میسر می‌شود.

آیا این مسئله اعتماد حرکت ملی آذربایجان و ملت های ترک را نسبت به دولت برادر تورکیه خدشه دار نمی‌کند؟

تورکیه دولت عاقل و منطقی هست و با رفتارهای بی‌مسئولانه یک یا چند نفر آدم نادان و بی‌خرد منافعش را به خطر نمی‌اندازد. این مسئله در تورکیه حل خواهد شد و بررسی این مسئله در سطوح مقامات بلند پایه ما را به حل مسئله امیدوار می‌کند. جا دارد در اینجا از وزیر سابق جناب سعدی سومونجو اوغلی که همیشه مورد احترام بنده بوده و هستند از مرکز اندیشه ملی «میساق»، از مرکز سیاسی و استراتژی و از تمام دوستانی که در آنجاها کار می‌کنند و تا این موقع تمام تلاش خود را برای حل مسئله به کار بسته‌اند تشکر و سپاسگذاری کنم. و همچنین از مقامات بلند پایه حزب ایبی پارتی که رفتار و عملکرد در شان ملت ترک از خود به نمایش گذاشتند، مخصوصاً از رهبر و بنیانگذار حزب خانم اکشنر و از مقامات بلند پایه حزب جناب قویونجو که واقعا مسئله را با دقت زیر نظر داشتند در عید قربان به همراه هیئتی به زیارت اینجانب آمدند، با هم در این ارتباط صحبت کردیم؛ نهایت تشکر و قدردانی را دارم. عملکردی در شان ملت تورک به نمایش گذاشتند.

این انتظار را از حزب م ح پ و رئیس کل حزب جناب آقای دکتر دولت باغچه لی و از مقامات بلند پایه این حزب داشتم. این دقت و حساسیت را نیز از سخنگویان ریاست جمهورمان داشتم و انتظار مداخله آنان را داشتم. اما هر کسی کاری که فکر میکنه درسته انجام می دهد.

استاد همان طور که می دانید در ایران فعالان حرکت ملی با برگزاری کمپین امضا و همچنین در گروههای تلگرام و اینستاگرام و فیس بوک با پخش آثار و نوشته هایتان سعی دارند تاثیرگذار باشند چه حرفی با آنها دارید و انتظارتان از آنها چیست؟

من سی سال عمر خود را برای عزت و سربلندی و بیداری دوباره و در یک کلام تولد دوباره ملت تورک صرف کرده ام. با این اقدامات خلی در کار من ایجاد نمی شود. در پانزده سال زندگی در تبعید اجباری و هشت سال زندگی با سطوح مختلف کشور آذربایجان و سیاسیون آن کشور در ارتباط بودم. پیشنهاد سخنگوی سفارت آمریکا در آذربایجان نسبت به رفع مشکلات شخصی خود را رد کردم و از آنها تشکر کردم. چون من دلم نمی خواست از این منطقه خارج شوم. من آذربایجان را ترجیح دادم به من قول اعطای شهروندی آذربایجان را دادند. به این علت کمک آمریکا را رد کردم که می خواستم مبارزه ام را در وطن ادامه دهم و منافع ملت را در آن می بینم. قبل از اینکه مجبور به ترک آن کشور شوم 3000 صفحه در ارتباط با تورکهای ایران و تورکهای قفقاز و دنیای ترک تحقیقات به رشته تحریر در آوردم. در مخالفت با تز مرحوم حیدر علی اف که تضاد با منافع ملت بزرگ تورک می دانستم تر تفکر تورک بر مرکزیت شهر تبریز را ارائه کردم و دو سال زندگی در گرجستان تحقیقات میدانی پیرامون مشکلات شهروندان تورک و مسلمان گرجستان ارائه نمودم. و همچنین با کمک ماهنی خانم و همکارانشان در رادیو مشکلات آنها را آشکار می

کردم. دولت گرجستان با من رفتار محترمانه ای داشت و با وجود خروج غیر قانونی از مرز بعد از دستگیری در مرز با دخالت وزیر انرژی وقت، مرا به تقلیس آوردند که جا دارد تشکر کنم از مسئولان وقت گرجستان. و چهار سال است که در تورکیه هستم در سال 2017 پرونده من را دوباره کشور آمریکا قبول کرد و این بار نیز پیشنهاد کشور آمریکا را رد کردم چون معتقد هستم مبارزه واقعی در این منطقه میسر هست و با تمام مشکلات به تلاش خود ادامه می دهم. آنقدر کار انجام نشده وجود دارد که نباید یک آن وقت خود را به بطلالت بگذرانیم. 1920-1990 در ارتباط با تورکهای ایران کویر مطلق هست من تاریخ 200 سال آخر این ملت را از آرشیوهای کشورهای مختلف استخراج کرده و تاریخ حقیقی را از نو می نویسم. در خانه من بیش از 3000 صفحه آرشیو وجود دارد و بیشتر آنها مربوط به دویست سال آخر تاریخ ماست.

یعنی با تلاش و کوشش ما تاریخ از نو بازنویسی خواهد شد. تورکهای ایران تاریخ و ادبیات خود را از نو برپا خواهند نمود.

نظریه های علمی ستون و پایه هر نوع مبارزه هستند و نظریه های مبارزه مدنی ما که توسط مرحوم کیریشچی بنیان گذاشته شده اند بعد از فوت ایشان ناتمام مانده اند باید به بهترین شیوه و با قدرت تمام ادامه پیدا کنند ادامه دهندگان این راه مقدس کم نیستند و تلاشهای این عزیزان قابل تقدیر است اما مسائلی وجود دارند که همچنان مورد بررسی قرار نگرفته اند.

ما بر این باور هستیم که این مسئولیت بزرگ به عهده ما گذاشته شده است و ما بدون اتلاف وقت و با نهایت دقت مسائل کور تاریخمان را برای ملت خود آشکار خواهیم کرد.

ما از مسائل و اتفاقات ایران مطلع هستیم آنطور که به من اطلاع دادند و سبب خرسندی اینجانب شد جوانان ما که از استادیوم سهند خارج شده بودند، با شعار جواد پور آزاد باید گردد از ما حمایت نموده اند. من ضمن احترام به پیش کسوتان حرکت ملی از زحمات این عزیزان نهایت تشکر را

دارم و این جوانان را فرزندان معنوی خود می دانم. امروز بار سنگین 45 میلیون تورک در ایران به عهده این جوانان است. اگر قرار باشد هزینه ی این مبارزه را بپردازند باید این هزینه در راه سعادت ملت تورک باشد و اگر خونی از ما باید ریخته شود این خون در راه درست و حقیقت ریخته خواهد شد.

مطلع شدیم که قرار بود نشست سران سه کشور ایران و تورکیه و روسیه در شهر تیریز انجام شود که بعد از سفر ظریف به آنکارا تهران محل جدید نشست اعلام شد. آنطور که من اطلاع دارم اگر در تیریز اتفاق می افتاد فعالان حرکت با شعار جواد بیگلی آزاد باید گردد به استقبال جناب اردغان می رفتند که من معتقد هستم در مقابل گماشتگان انگلیس و آمریکا و پانفارسهایی مثل ظریف و روحانی، باید جناب اردوغان به صورت شایسته مورد احترام و تکریم قرار گیرد.

ما از این اتفاقات باخبر هستیم و به خاطر همین سکوت اختیار کرده ایم و انتظار داریم دولت تورکیه این مسئله را به بهترین شکل ممکن حل خواهد نمود. چون لکه دار جلوه دادن فعالیت‌های جوادبیگلی چسباندن لکه سیاه بر تمامیت ملت تورک بوده و هست. و باید این بی احترامی جبران شود و هیئتی بلند پایه از دولت به اینجا آمده و به همراه بنده کنفرانس مطبوعاتی تشکیل داده و مسئله را فیصله دهند. زیرا این لکه سیاه از صفحات تاریخی دولت تورکیه باید پاک شود.

پنج شش ماه قبل از این عمل ناشایست اداره مهاجرت، در خدمت جناب آقای سلیمان سویلو وزیر محترم کشور بوم و ایشان خبر اعطای شهروندی در ردیف شخصیتهای استثنایی را به بنده دادند. و مدیر کل ثبت احوال چهار پنج ماه قبل از این حادثه من را خواسته و بنده مدارک لازم جهت صدور پاسپورت و فرم نحوه صحیح نگارش مشخصات شخصی اینجانب را به آنها تقدیم نمودم. و به من گفتند طبق دستور وزیر محترم کشور ظرف 6 یا 7 ماه شهروندی به شما اعطا خواهد شد. یعنی پنج شش ماه قبل چنین خواسته ای مطرح می شود و الان مسئله ای به این بزرگی برابرم ایجاد می شود!

من مؤلف بیش از هزار صفحه پژوهش علمی و تاریخی در ارتباط با دنیای تورک و تورکهای ایران هستم و انسانی نیستم که وقت خود را به بطالت بگذرانم. زندگی ام در توجه و تمرکز به اهداف عالیه ملی و سعادت واقعی ملت تورک خلاصه می شود. زندگی من با زندگی 45 میلیون تورک در ایران عجین شده است و تپش قلب من برای سعادت آنهاست. زندگی ام را اینگونه تعریف نموده ام.

تورکیه جزئی از وطن بزرگ من بوده و دولت تورکیه دولت مورد باور من است. در یک سال گذشته تیمی علمی در سرتاسر دنیا از آمریکا گرفته تا ایران و خاورمیانه و ... در جهت منافع تورک، سیستم آموزشی آلپ ارن را کار کرده ایم. این کار تحت مدیریت من انجام شده است. با وزیر محترم آموزش پرورش تورکیه و استاد عزیزم جناب ضیاء دیدار کرده بودیم و 15 روز قبل از این اقدام اداره گذرنامه خود را برای دیدار با رئیس جمهور و اخذ دستور پیاده کردن این سیستم آموزشی آماده می کردیم. در این پروژه آموزشی اسناد تاریخی مرتبط با تورکیه و اسلامیت و 1000 سال آخر تاریخمان را (از دوره غزنویان و سلجوقیان 900-1900) و سیستم آموزشی دول و حاکمان تورک، سیاست اعمال شده روسیه در خاورمیانه و قفقاز بر علیه تورکها و قتل عام و نسل کشی آنها، قتل عام مسلمانان و از بین بردن حاکمیت تورکها در هندوستان توسط انگلیس و سیستم آموزشی بعد از این وقایع، سیستم آموزشی جدید آمریکا، ژاپن، کشورهای آسیای جنوبی مانند سنگاپور و مالزی و سیستمهای آموزشی دنیای تورک و دنیای اسلام را تا حد ممکن بررسی نموده ایم. یک سال زحمت شبانه روزی برای این پروژه صرف شده است. زیرا ما برای مقابله با سیستم آموزشی اجنبی معاشانه گروه تروریستی فتح الله گولن معتقد به برقراری سیستم آموزشی منطبق بر معیارهای اسلامی و تورکی هستیم. یک عده نفهم کردن، عقده ای و مزدور در حق ما چه فکری می کنند؟ حرکت و فکری بدون پشتوانه عقلی و تماما بی اساس. لازم است این افراد کمی تامل نمایند مبارزه رحیم جواد بیگلی مثل خورشید روشن است. اگر مرا مجبور به اخراج از تورکیه نکنند من به جایی دیگر نخواهم رفت اینجا

وطن من است و اگر اخراج کنند جایی را در این منطقه پیدا کرده و به تحقیقات خود ادامه خواهم داد.

چه توصیه ای به فعالان حرکت ملی در ایران و یا فعالان خارج از کشور دارید؟

من طرفدار رفتارهای عقل گرایانه هستم. و هر کس باید جایگاه خود را بشناسد. بعضی حرفها و رفتارهایی را از بعضی افراد می شنوم و می بینم که شگفت زده می شوم. اگر بخوام 10 دقیقه در مورد زندگی و اعمال این افراد سخن بگویم مثل موش مجبور به خزیدن به سوراخهای خود خواهند شد. اما من اینکار را نخواهم کرد فرصت خواهم داد که خود را اصلاح کنند. ما نباید زمان مان را برای موضوعات بی ارزش هدر دهیم. اگر برای خودمان ارزش و شخصیت قائل هستیم چنانچه نمی توانیم دست یاری دراز کنیم از پای همدیگر نکشیم من به این افراد میگویم وقتی برای تلف کردن برای شما ندارم. شما راه خود را بروید و من راه خود را ادامه خواهم داد.

امروز پانفارسیزم و دشمنان قسم خورده تورکیت و گماشتگان آنها مثل روحانی، ظریف، کروی، موسوی، رحیم مشایی و امثال آنان و مدافعان و مبلغان آنها مثل بی بی سی و بخش دیگر بی بی سی (صدای آزربایجانیهای ایران) «به این نامها و عناوین دقت کنید» مدعی هستند ایران مال پارسهاست، افغانستان پرس هست، تاجیکستان سرزمین فارسهاست و به این هم بسنده ننموده ازبکستان را هم قلمرو پرس می شمارند و این رادیوها و مدیاها سکوت اختیار کرده و اعتراض نمی کنند. این ها 12000 بازدید در فضای مجازی و حساسیت میلیونها نفر و شعارهای جوانان در داخل کشور (جواد بیگلی آزاد باید گردد) را هم انکار می کنند. من از این افراد انتظاری ندارم. ما از قبل واقف بودیم که هر کس صف خود را در این گونه مواقع مشخص می کند. اینکه چه کسانی در کنار ملت تورک هستند و چه کسانی در مقابله با آن به پا خواسته اند؟ عده ای جوان بی تجربه و نا آگاه هم جز شعار جورج اورول (دو پاها بدند و چهار پاها خوبند) شعار

دیگری بلد نیستند و بعضی از دوستان و همزمان ساده ما در دام اینان می افتند....

من همیشه گفته ام به بزرگترهای حرکت ملی احترام گذاشته و جوانان را به چشم فرزندان معنوی خود نگاه می کنم و انتظار و خواسته ای از هیچ کس ندارم. این راه برای من یک مبارزه است و مسیر یک زندگی. هر کس وظیفه خود را انجام می دهد تنها خواهشی که دارم دقت کنیم در راه دلخواه پانفارسیزم قدم نگذاریم و توجه کنیم در صف دشمنان تورک قرار نگیریم.

در جلسه ای با رفسنجانی که یکی از سفرای آذربایجان هم در آن حضور داشت حرف از تورکیت ایران به میان می آید و اینکه ما باید متحد شویم و چرا از ارمنستان حمایت می کنید؟ رفسنجانی پاسخ می دهد اگر قرار باشد تورکها دوباره قدرت را به دست گیرند من حاضرم زیر بیرق انگلستان رفته و ایران به عنوان یکی از ایالتهای انگلستان قرار بگیرد ولی چنین اتفاقی نیفتد. کسانی که از اصلاح طلبان حمایت می کنند بدانند که آنها وجه داخلی پانفارسیزم هستند و بی بی سی و متاسفانه این اواخر صدای آمریکا وجه خارجی آن هستند. سعی کنیم در شمار و صف وجه خارجی و داخلی فاشیزم فارس قرار نگیریم.

ما مردان یک مبارزه بزرگ هستیم و مبارزه 45 میلیون تورک در ایران تنها مبارزه ما نیست بلکه نتایج این مبارزه در سرنوشت میلیونها تورک در قفقاز و خاورمیانه و دیگر کشورهای دنیای تورک و دنیای اسلام تاثیر خواهد گذاشت. و پروژه ب و پ ورژن جدید قرارداد سالیس پیکو در جهت عکس منافع تورکها می باشد. موفقیت مبارزه 45 میلیون تورک در ایران وقتی خواهد بود که با لغو قراردادهای 1914. 1921. 1923. 1918. و پایان دادن به چپاول نیروهای متفقین و طلوع دوباره حاکمیت تورکها خواهد بود. آن زمان روز بیداری واقعی ملت تورک خواهد بود. ما این مبارزه را در ابعاد وسیع تر دنبال می کنیم و برای پرداختن به مسائل کوچک و پیش پا افتاده وقت نخواهیم گذاشت. و خود را در این حد نمی بینیم که وقتمان را با این شعارها هدر بدهیم.

توصیه من به تمام دوستانی که مرا می شنوند و یا این مصاحبه را می خوانند این است که صبور بوده و با نهایت تدبیر و بدون فوت وقت تلاش نمایند و برای خواندن کتاب زمان بگذارند ما برای آگاهی شما این کتابها را می نویسیم. کتابها و نوشته های من در تورکیه 100000 خواننده دارند اما متأسفانه در ایران از هزار نفر تجاوز نمی کند. اینکه چه بخوانیم هم بسیار مهم است و من چند کتاب را توصیه می کنم بخوانید و در مورد آن تامل کنید و سپس نظر بدهید.

1. نقش گرسنگی و نسل کشی در پایان دادن به حاکمیت تورکان در ایران (که اولین بار توسط بنده به آن پرداخت شده است)

2. ایران واقعی از دیروز تا به امروز

3. نسل کشی و انحلال اتنو ژئوپولوتیک در دنیای تورک (که تز دکترای من است)

4. روابط ایران و تورکیه از سده 16 تا به امروز و مسئله کوردها

نیازی به نگرانی و ناراحتی و شیون و زاری کسی نمی بینم و احتیاجی به قهر با دولت تورکیه نیست. دولت تورکیه دولت ماست و در مقابل روباہ صفتانی چون روحانی معتقد به استقبال گرم و صمیمانه از جناب اردوغان هستیم. تورکیه دولت عاقلی است و این مسئله را به نحو احسن حل خواهد نمود و من مطمئنم.

استاد شرایط نگهداری شما چگونه است ؟ در سنول هستید یا انفرادی و بفرمایید شرایط تغذیه و امکانات شما در کمپ چگونه است؟

شرایط ما در اینجا سخت است یک ماه قبل در زمان دیدار مدیر کل شهر وان از اینجانب به من قول دادند که استاد شرایط راحتی شما فراهم خواهد

شد که متأسفانه تا به امروز به تلفنم دسترسی ندارم. دچار خونریزی معده هستم. و یک بار هم به آندوسکوپی نرفته‌ام. هر روز یک بهانه می‌آورند و هر روز یک مسئله‌ای وجود دارد که این مسئله را توجیه کند. و در این ارتباط حتی دارویی هم به من تجویز نکرده‌اند یعنی اصلاً دکتری مرا معاینه نکرده است. شرایط در اینجا سخت است و ما مجبور به تحمل این شرایط هستیم. همانطور که گفتم این اتهام تنها متوجه من نیست بلکه این لکه سیاه سالهای سال در چهره دولت تورکیه خواهد ماند و پاک کردن آن با آمدن هیئت بلند پایه از مقامات دولتی و ترتیب کنفرانس مطبوعاتی و اجرای دستور وزارت کشور مبنی بر اعطا شهروندی به اینجانب خواهد بود.

مبارزه به حق ملت تورک ایران وارد مرحله جدیدی شده است

رحیم جوادی‌گلی

کمپ استرداد پناهجویان شهر وان تورکیه 5.8.1397

قسمت اول

جغرافیایی که با نام ایران شناخته می شود از دیرباز خواستگاه و مهد تمدن بزرگ تورک بوده و بنیانگذاران و اداره کنندگان تمامی دولت ها و سلسله های حاکم بر این سرزمین علی الخصوص 1500 سال اواخر تاریخ تورکها بوده اند.

تذ تاریخ ارائه شده توسط مستشرقین اروپایی وجود تورکها در ایران این سرزمین و قلب مدنیت تورک را انکار کرده و همیشه سعی دارد امپراطوری بزرگ تورکهای خزر را تنها به قفقاز شمالی و شمال دریای سیاه محدود کند. با وجود کتمان حقیقت توسط اروپایی ها داده های علمی تاریخی کشف شده نشان می دهد امپراطوری خزر علاوه بر قفقاز شمالی و شمال دریای سیاه سرزمین ایران امروزی و شمال خراسان را نیز شامل می شده است. امروز ما ادامه فرهنگ حاکم بر امپراطوری بزرگ خزر را در خراسان طبرستان و در صدر آن تبریز تثبیت میکنیم. شهرهایی مثل تبریز توروس طرابزون(تبریزان) و تیفلیس میراثداران واقعی امپراطوری خزر می باشند. ما ریشه کلمه های خراسان و آزران را از نظر اتیمولوژی مشتق شده از کلمه خزران می دانیم.

دولت سامان یابکو(سامانیان) که تاجیک بودن آنها ادعا میشود فضل الله همدانی وزیر قازان خان سلطان امپراطوری بزرگ ایلخانی در کتاب معروف خود اوغوزنامه سامانیان را به سلسله دولتهای تورک نسبت می دهد و همان طور که می بینید به عنوان میراث دار امپراطوری بزرگ تورکهای خزر نمایان می شوند.

امپراطوری هایی مثل غزنویان سلجوقیان خوارزمشاهیان ایلخانیان آق قویونلوها قره قویونلوها امیر تیمور صفویان افشاریان قاجار هر کدام وارثان واقعی امپراتوری خزر بوده و حکومت خود را از ایران شروع کرده اند. همزمان امپراطوری بزرگ عثمانی که از آناتولی برخاسته و تا

قلب اروپا و شمال آفریقا حکومت خود را گسترش دادند جزو امپراطوری بزرگ تورک بوده اند.

ایرانی که از نظر انتیک و از نظر نام اراضی و شکل حکومتهايش دولت تورک بوده و تا سال 1925 با ساکنینش پرچمدار تورکیت بوده و سرزمین تورکها بوده در یک آن پرس می شود؟ این ادعای نادرست تنها از طرف مستشرقین اروپایی مطرح شده و به هیچ ادله علمی راستین و حقیقی متکی نمی باشد و تا زمانی که بر این ادعای کذب اروپاییان (پرس بودن سرزمین ایران) با دلایل علمی و تاریخی به وسیله دانشمندان و محققین ما خط بطلان کشیده نشود ملت بزرگ تورک به نجات و سعادت واقعی دست نخواهد یافت و حاکمیت به حق آنان از نو برپا نشده و شکوه و جلال تاریخی خود را باز نخواهد یافت. وظیفه بازنویسی تاریخ به عهده فعالان نویسندگان و عالمان ملی گرای ما میسر خواهد شد. امروز وظیفه تمامی شخصیت‌های علمی توجه ویژه به تاریخ سیاسی ایران علی الخصوص تاریخ سیاسی بعد از اسلام و بازنویسی دقیق آن مستند بر منابع علمی و آرشیوهای تاریخی است. در این بین باید تحقیقات و پژوهش های علمی ناتمام دو شخصیت بزرگوار و ملی ما علی تبریزی و پروفیسور محمد تقی کیریشچی از سر گرفته شده و تکمیل گردد.

شناختن و شناساندن بنیانگذار سلسله و امپراطوری قاجار آغا محمد خان کبیر در قرن 18 برای دولت و ملت ما اهمیت حیاتی دارد مردی که قانون (شاهزاده ای که مادرش تورک نباشد حق ولیعهدی را از دست می دهد) را به عنوان اصل لازم الاجرا بنیان گذاشت و در طول 130 سال حاکمیت سلسله قاجار بدون استثنا اجرا شد.

زندگینامه تمامی بنیانگذاران و سلاطین دولتهای اشاره شده فوق و شخصیت های تاریخی شناخته شده ترک علی الخصوص سلاطین و شخصیت‌های ملی دوران قاجار از جمله امیر سواره نظام و فرمانده نظامی ایالت آذربایجان و در عین حال فرمانده محافظین ولیعهد امیر ارشد و برادرش زرقام خان بزرگ و صولت الدوله و تمامی فرماندهان و قهرمانان بزرگی که به خاطر تورکیت و استقلال مملکت مبارزه نموده و جانشان را

فدا نموده و شهید شده اند (در صدر همه آنان آقا محمد خان کبیر) باید توسط فعالان حرکت ملی و دانشمندان ملی گرای ما نوشته شده و در اختیار عموم قرار گیرد و آرامگاههای آنان با درک و شعور بالای ملی به زیارتگاه ها و مکانهای مورد احترام مردم مبدل گردند. زیارت مزار این قهرمانان ملی سبب بالا رفتن روحیه مبارزه و شعور ملی در بین مردم و فعالان ملی گرای تورک خواهد شد.

با تاریخ سیاسی مستند بر تز کذایی اروپاییان و تحت نام پرس نمی توان به منافع ملی و آینده و سعادت سیاسی خدمت نمود. سیستم آموزشی متکی بر تز اروپایی ها تورک بودن ایران را انکار می کند و بجای آن هویت جعلی پرس را به عنوان هویت اصلی ایران می شناساند. قبول کردن ایران فارس و به عبارت دیگر به تملک پرس در آوردن ایران در راستای کمک به تز اروپایی هاست. شناختن و شناساندن هویت پرس برای ایران دشمنی با تورکیت و اسلامیت است.

باید توجه داشت که در جنگ جهانی اول ایران توسط نیروهای متفقین اشغال شد و این نیروها تمام تلاش خود را در جهت از میان برداشتن تورکیت در ایران به کار بستند. بیست میلیون جمعیت ایران در اثر نسل کشی و قتل و عام نیروهای متجاوز به ده میلیون نفر رسید. بعد از این نسل کشی حاکمیت تورکها به شکست انجامید و سیاست خوار شمردن تورکها در دستور کار قرار گرفت تا جایی که کسانی که تورکی صحبت می کردند به آخور بسته می شدند. عقلانیت و تفکر ایران از تاریخ 1925 به بعد توسط پرس و پانفارسیزم اشغال و استعمار شده است. موفقیت و پیروزی حرکت ملی و متعاقب آن سعادت ملت تورک با باطل شدن تز کذایی اروپاییان بوسیله نویسندگان ملی گرای ما و تلاش و پژوهش های علمی تاریخی آنان میسر خواهد شد. استقلال حقیقی ایران با محکومیت و مغلوبیت پانفارسیزم و محو شدن تز کذایی پرس و همچنین قبول تاریخ حقیقی و راستین ملت تورک بر مبنای تورکیت و اسلامیت میسر خواهد شد.

ادامه دارد...

مبارزه به حق ملت تورک ایران وارد مرحله جدیدی شده است

رحیم جوادبگلی

کمپ استرداد پناهجویان شهر وان تورکیه 5.8.1397

قسمت دوم

قبل از اینکه مرا تحت نظر بگیرند با کمک تنی چند از متخصصین امر و در طول یک سال مطالعه و تحقیق علمی بر اساس ارزشهای توریست و اسلامیت سیستم با نام آلپ ارن را تدوین نمودیم و قصد داشتیم به رئیس جمهور محترم توریست تقدیم کنیم. چنانچه در این اثر با ارزش علمی و دانشگاهی به طور وسیع به آن پرداخته ایم، نظریه ای که 200 سال مطالعات علمی انسان شناسی و تاریخی دنیا و نتایج و مستندات واقعی آن را هیچ انگاشته و اروپایی ها و مردمان ساکن در شبه جزیره هندوستان را از یک نژاد معرفی نموده و ایرانیان را آری و آریایی نامیده و در این مجموعه قرار می دهد کاملاً در راستای اهداف سیاسی بوده و در خدمت منافع استعمار شکل یافته است.

اهداف این نظریه؛ پایان دادن به حاکمیت تورکها بر اوراسیا، از بین بردن تمدن دنیای قدیم، استقرار حاکمیت نیروهای متفقین (فرانسه، روسیه و در راس آن انگلستان) بر تمدن بزرگ شرق و بوجود آوردن نظام سیستماتیک بر علیه تورک و اسلام با نام نظام نوین جهانی در قرن بیستم بر پایه یک دروغ شاخدار بر تمامی مراکز علمی و پژوهشی آشکار شده است. این موضوع در اطلاعیه کنفرانس آکادمی ملی فرانسه در سال 2006 (تاریخ دقیق آن باید نگاه شود) آشکار می شود. مخلص کلام اینکه نظریه هند و اروپایی بر پایه یک دروغ بزرگ بنیان شده است.

این تئوری هند و اروپایی مرکزیت تمدن دنیا را به روم و متعاقب آن به اروپای مسیحیت (تفکر مسیحیت) انتقال داده و شرق این مهد تمدن حقیقی دنیا و در پی آن مدنیت تورک و اسلام را خارج از مدنیت نشان می دهد.

دروغگوی مشهور سرجونز تئوری هند و اروپایی را در کنفرانس سال 1780 در انیستوی شرق (این انیستو از طرف پادشاهی انگلستان در هندوستان در شهر کلکته بنا نهاده شده است) مطرح نمود. این تئوری تمامی ملل ساکن در ایران و هندوستان را از ریشه هند و اروپایی می داند هزاران سال تمدن بزرگ شرق حکومت ها و روابط بین حکومتها و

مخصوصاً ملتها و روابط بین ملتها را زیر و رو نموده و سبب از بین رفتن آنها شده و با تفکر فاشیستی که به دنبال داشته مسبب اصلی نسل‌کشی ده‌ها میلیون انسان بوده است.

همان‌طور که در دو پژوهش علمی مان با عناوین «علل انحلال حاکمیت تورکها در ایران» و «هویت و ریشه تاریخی فارسها» که در سال 2017 برای چاپ به مراکز نشر ملی فرستاده شده بود (که به علل نامعلوم از چاپ کتاب خودداری کردند) مفصلاً به آن پرداخته‌ایم. جز تاریخ قبل از اسلام که آن هم جای بحث دارد در 1500 سال آخر تاریخ از امپراطوری خزر گرفته تا امپراطوری قاجار (به احتمال بسیار قوی کلمه قجر و قاجار از نظر ائیمولوژی از کلمه خزر گرفته شده‌اند) سرزمین و موطن تورکها بوده و تورکها در این سرزمین حکمرانی نموده‌اند.

ایران سرزمینی که بیش از هزار و پانصد سال پرچمدار تورکیت بوده بواسطه تئوری ضد اسلام و ضد تورک هند و اروپایی هویت آری و آریایی (هند و اروپایی) به خود گرفته و با همکاری طریقت فارسیه که یهودی‌منشا است و بیش از 1300 سال در ستیز با تورکیت بوده‌اند و از قرن دهم به بعد با همکاری کلیساهای کاتولیک و شعوبیه که از طرف طریقت فارسیه تاسیس و مشغول تحریف تاریخ بوده، شکل مدرن‌تر و امروزی‌تر آن فارسیه و گروهها و طریقت‌هایی چون بابیت و بهابیت و غیره که هویت آنان بر همگان روشن است و مداخله مستقیم نیروهای متفقین به ضدیت با تورکیت برخاسته و هویت پرس و فارس به خود می‌گیرد. از چهره‌های شاخص این جریان منفور و ضد تورک در قرن نوزده و اوایل قرن بیستم می‌توان به مانکجی حاتریا، شاپور ریپورتر، اردشیر جی، محمد علی فروغی و دهها شخص دیگر نام برد. پرس-فارس وانمودن ایران نتیجه اضمحلال اسلامیت و مغلوبیت و نسل‌کشی تورک‌های ملقب به سیف‌الاسلام است.

تئوری نژاد آریایی و هند اروپایی هیچگونه اساس علمی نداشته و کاملاً با مطالعات آنتروپولوژیک، آرکولوژیک و حتی تیپولوژیک در تناقض بوده و صرفاً با اهداف کاملاً سیاسی و برای نابودی و انحلال حاکمیت و تفکر

تورکیت و اسلامیت مطرح شده است. نقطه تاسف بار ماجرا این است که با وجود دلایل قاطع و روشن تمامی مراکز رسمی، حقوقی، علمی و سیستمهای آموزشی کشورها در عرصه بین الملل سکوت اختیار کرده و بعضا با نادیده گرفتن دلایل علمی ایران را جزء نژاد آریایی قلمداد نموده و با زبان قاطع با نام پرس سعی در پرسیزه کردن ایران دارند. و البته این سیاستهای صد سال اخیر دولت ایران در این رابطه نقش کلیدی را ایفا می کند.

همان طور که در دو کتاب «ریشه و تاریخ تورکها. هویت و تاریخ فارسها» مهاجرت عناصر غیر تورک در دوره غزنویها و مخصوصا دوره امپراطوری بزرگ سلجوقیان و در زمان جنگهای صلیبی از شمال هندوستان به ایران کنونی، عراق و بعضا مناطقی از سوریه مفصلا توضیح داده ام منابع انسانی شبه جزیره هندوستان بعد از پذیرش اسلام برای امپراطوریهای تورک و مسلمان مخصوصا در زمان جنگ حائز اهمیت بوده است. به همین دلیل سیل عظیم مهاجرتها تا زمان امپراطوری افشار ادامه داشته است.

اما آن طور که مشخص است قبایلی چون کرمانجی، قورانی، سورانی و ... که با نام کورد شناخته می شود و همچنین لر، لار، لک، گیلک و که از شمال هندوستان و قبایلی چون تات، تاجیک (تاتجیک) و تالیش که از افغانستان و تاجیکستان به این منطقه مهاجرت نموده اند و همچنین عناصر دیگر بومی و محلی غیر تورک چون اعراب و بلوچ برای دولتها و حاکمان تورک حائز اهمیت بوده و با تورکها به صورت برادرانه و مسالمت آمیز زندگی نموده اند.

مدافعان تئوری بی اساس هند و اروپایی خود می دانند با وجود اثبات این مهاجرت ها بوسیله تحقیقات علمی نوع شناسی و تیپولوژی تبلیغات پر زرق و برق برای تمدن 2500 ساله پرس بی فایده بوده و بیشتر از این نمی توانند این دروغ بزرگ را تبلیغ کنند به فکر مطرح کردن تئوری تمدن قدیمی و محلی پرتوتورک که به احتمال زیاد قابل اثبات هست

افتاده اند. و این چنین ادعاهایی هیچ نوع تاثیر مثبتی برای منطقه نخواهد داشت.

بدون طرح ادعایی، شخصیت های برجسته مردم و قبیله های ثبت شده باید فارغ از چنین ادعاهایی روشنگری این مسائل تاریخی را به نتایج مطالعات علمی واقعی تاریخ مورخان محلی اختصاص دهند و این را باید در نظر بگیرند اصلی که ملتهای قدیمی تر بیشتر از ملتهای غیر قدیمی صاحب حق باشند وجود ندارد و همه مردم و ملیتهای منطقه باید به صورت مسالمت آمیز و برادرانه در کنار یکدیگر زندگی کنند و این بهترین راه پیش رفت و رفاه این منطقه است.

هدف ما از طرح این موضوعات برتر جلوه دادن ملتی بر ملتی دیگر نیست بلکه می خواهیم همه ملتها بدانند تفکر فاشیستی آریایی و تئوری هند و اروپایی بر هیچ اساس علمی استوار نیست و منافع هیچ یک از اقوام و ملل منطقه را تامین نخواهد کرد. تاریخ با تمام واقعیتهاش باید مطرح شود و حقیقت هر چه که باشد نباید به اتحاد اقوام و ملیت های منطقه آسیب وارد نماید.

مهاجرت این قبیله ها و عشیرت ها در مقاطع مختلف زمانی از شمال هندوستان به ایران یک واقعیت تاریخی اثبات شده است که به دلایلی که بر ما مشخص هست از بازگو کردن آن جلوگیری می شود. یکی از دهها دلایل برای اثبات این موضوع نتایج مطالعات تیپولوژی و نوع شناسی بوده و یکی دیگر از این شواهد وجود صدها عکس و نگاره بجا مانده از قرن نوزده و حتی بیستم از افراد عشیره های ذکر شده که انگار ایده قومیت و ملیت را درک نموده اند و با لباسهای بومی خود که متعلق به بومیان هندوستان است ژست گرفته اند و در آرشیه های کشورهای مختلف نگهداری می شوند.

کسی از مطرح کردن زمان و چگونگی مهاجرت اقوام ساکن در ایران دلگیر نشود چون یک واقعیت تاریخی است چنانچه تورکها از شرق تا غرب و شمال به جنوب و بالعکس دنیای قدیم و اوراسیا در برهه های

مختلف تاریخی مهاجرت و یا لشکر کشی نموده و شهرها و سرزمین ها بوجود آورده اند و یا به صورت کوتاه مدت و حتی به صورت کوچ نشینی در رفت و آمد بوده اند یک واقعیت تاریخی اثبات شده است.

حالا من از به اصطلاح نظریه پردازانی چون جواد طباطبایی که اصرار دارند ایران را به عنوان پرس معرفی کنند و برای محققین و پژوهش گران مخالف با این سیستم و این نظریه بی ثبوت خواستار شدیدترین مجازات هستند؛ می پرسم؟

با وجود اقوام مختلفی چون لر، لار، لک، گیلک، کرمانجی، کورانی، سورانی، تات، تاجیک(تاتجیک) تالیش، بلوچ، عرب و اکثریتی چون ملت تورک که وجودش در اقصی نقاط کشور محرز بوده و عناصر اصلی تشکیل دهنده کشوری است که فارس و پرس معرفی می کنید، این هویت بی ریشه و اساس را که قبل از قرن نوزده هیچ مدرک مستند و ادله تاریخی برای اثبات وجودش یافت نمی شود از کجا آورده اید؟

آیا ناسیونالیزم و ملی گرایی فارس، پرس(ناسیونالیزم فاقد عناصر ملیت) که ایران را از هویت راستین خود (تورکیت و اسلامیت) محروم کرده و نتایجی جز بحران هویت و بحران اخلاق در این صد سال اخیر برای ایران به ارمغان نیاورده است، کودتایی بزرگ بر علیه تمدن بزرگ شرق، تمدن تورک و اسلام نبوده است؟ این هویت جعلی در راستای منافع کدام قدرت استعماری بوده است؟

ایران به عنوان یک کشور و دولت با پشتوانه تاریخی با اتکا به این هویت بی پایه و اساس فارس و پرس که جامعه را به نابودی، پوچی، انحطاط اخلاقی و فرهنگی و بردگی مادی سوق می دهد و با اتکا به این هویت مخرب هویت ها نمی تواند استقرار یافته و به عنوان یک کشور قدرتمند ابراز وجود کند.

در ایران بعد از به قدرت رسیدن پهلوی ها نسل کشی اقوام و ملیتهای مختلف علی الخصوص عناصر اصلی تشکیل دهنده کشور تورکها آغاز

شد. و برای اینکه تورکها هویت پرس و فارس را قبول کنند از هر گونه جنایت و رفتار غیر انسانی فرو گذار نشدند.

تورکها به خاطر صحبت کردن به زبان تورکی در شهرهای کرمان، شیراز، اصفهان، جنوب غرب و سایر استانها به آخور بسته شده و متحمل سنگین ترین شکنجه ها می شدند. به طور خلاصه پس از 1925 سیاست تورک زدایی در مناطق مرکزی، جنوبی و جنوب غربی نسبت به شمال و شمال غرب با شدت بیشتری در جریان بود و در مرکز و جنوب ایران تورکها علی الخصوص تورکهای محلی متحمل سنگین ترین و هولناک ترین جنایتها می شدند. تورک ها یا باید می مردند و یا در سخت ترین شرایط در مناطق محروم استان به طوری که کوچکترین تأثیری در جامعه نداشته باشند به زندگی مشقت بار خود ادامه می دادند. در این میان کم نبودند تورکهایی که از این شکنجه ها و نسل کشی ها خود را نجات داده و از شهرهای یزد، کزمان و شیراز به مناطق شمال و شمال غرب ایران مانند آذربایجان مهاجرت می نمودند. از آنجا که ایران طبق معاهده 1907 و 1921 به صورت اراضی تحت نفوذ روسیه و اراضی تحت نفوذ انگلستان تقسیم شده بود سیاست ضد تورک روسیه علی الخصوص در دوران اتحاد جماهیر شوروی با سیاست ضد تورک انگلستان متفاوت بود. روسها در بیشتر مواقع به جای نسل کشی مستقیم تمیزه کردن تورکها بواسطه ترویج هویت محلی به جای ملی گرایی واقعی جدا از تورکیت را ترجیح می دادند به طوری که در شمال شرق ایران برای تورکمن ها هویت محلی تورکمنی و تورکمنستانی و خراسانی و در شمال غرب کشور ترویج هویت آذری و آذربایجانی در دستور کار قرار می گرفت. در بین این دو منطقه با بوجود آوردن مسئله گیلک در دفاع از اراضی تحت نفوذ خود و تضمین منافع دولت بیشترین بهره برداری را می نمودند.

برای انگلستان انتخاب روش روسها برای جا انداختن تئوری هند و اروپایی و اجرای سیاست پارسیزه کردن ایران ممکن نبود. در حوزه اراضی تحت نفوذ انگلستان تورکها یا باید هویت کدایی پرس ایران را قبول می کردند و یا مرگ و نیستی در انتظار آنان بود.

قبول سیاست مینیمیزه کردن تورکها توسط روسها در آن زمان برای تورکهایی که از شکنجه ها و جنایات هولناک در حوزه تحت نفوذ انگلیسیها جان سالم به در برده بودند راحت تر و قابل تحمل تر بود. به عبارت دیگر قبول کردن این سیاست از طرف جامعه تورک به منزله نجات جان میلیونها تورک و روزنه کوچک برای تنفس تورکیت در حال احتزار بود. و البته این به نوبه خود در طول گذر زمان و از لحاظ سیاسی به معنی قبول هویت آذربایجانی به جای هویت راستین خود (تورکیت) بود.

حالا سوالی که مطرح می شود این است؛ آیا در این زمان نیز نیرویی مثل انگلستان وجود دارد که دست به نسل کشی تورکها می زند و ما برای نجات از این سرکوب و نسل کشی و تنفس دوباره از دفاع از تورکیت در ایران هراس داریم؟

هویت آذربایجانی به خاطر فرار از نسل کشی و انتقال این هویت به نسل ما بوده و وظیفه تاریخی خود را برای احیاء تورکیت انجام داده و امروز ما هستیم و زنده هستیم و به عنوان نسل جدید وظیفه داریم تورکیت را در ایران از نو زنده نموده و با تمام وجود از آن دفاع نماییم.

همان طور که مرحوم پرفسور محمد تقی کیریشچی می فرمود: درک عمیق عواقب جنایات و فجایع انسانی صورت گرفته بر علیه تورکها در صد سال اخیر و ترمیم دوباره آن در یک آن ممکن نیست. در گذر زمان عواقب این فجایع برای مردم آشکار خواهد شد و با گذشت زمان راه حل موضوع پیدا شده و پذیرفته خواهد شد. کافیست که ما بدانیم تورک هستیم و با تمام وجود از ریسمان تورکیت چنگ زده و بگیریم. تقسیم تورکهای ایران بین آذربایجانی ها و غیر آذربایجانی ها از فقدان حافظه تاریخی و عدم بلوغ فکری و نبود درک و شعور سیاسی است. تورکهای آذربایجان و تورکهای ایران دو واژه مترادف بوده و هر یک کل بوده و یکدیگر را نقض نمی کنند. استفاده از این دو واژه به معنی آنتاگونیست(دشمن ضد. مخالف) زمینه سازی برای دشمنی و درگیری بین تورکهای افشار و قشقایی و ترکمنی و شاهسون و سونقوری و سایر با یکدیگر است. وحدت تورکهای ایران در مقابل پانفارسیزم برای ما اهمیت حیاتی داشته و نباید

این اصل فراموش شود. نقض و مخالفت با این استراتژی علنا دشمنی با تورک و تورکیت است.

در ایران سخنی با این مضمون ورد زبانهاست؛ یا تورک هستی و یا از تورک بودن خود بی اطلاع هستی. این سخن در مورد اکثریت مطلق ایران صادق است. و جمله دیگر در ایران وجود دارد دگیشن دگیشیر یعنی کسی که باید تغییر یابد تغییر خواهد یافت و یا به عبارت دیگر دگیشن دگیشمه یه محکومدور. یعنی کسی که تغییر یافتنی است محکوم به تغییر یافتن است. به عبارت دیگر خلاصه تر بگویم این روند از لحاظ هویتی بازگشت به خویشتن حقیقی است. این تغییر به مانند تغییرات هشتاد سال اخیر و مخصوصا با تغییر دوران پهلوی و جنایات هولناک آنها نیست بلکه تغییری عادلانه و دوراندیشانه و در جهت ادامه حیات کشور و پیشرفت و رفاه از طرف سیستمی کاملا دموکراتیک و حقوقی و دارای سیاستهای عملی مثبت میسر خواهد شد. این سیاست تغییر برای ماندن این کشور بوده و برای آینده سیاسی آن اهمیت حیاتی دارد. مراکز فرهنگی تورک به مانند آذربایجان در شهرهای مشهد، اصفهان، شیراز و در راس آن تهران و دیگر ایالتهایی که تورکها در آن زندگی می کنند از نو برپا خواهد شد و دفاع از تورکیت در این ایالتها تضمین بوده و مردم از بی هویتی نجات خواهند یافت.

تورکیت در ایران باید خود را از هویت مکانی خلاص کرده و در مقابل تفکر کذایی پرس و آریایی با اتحاد کامل وجود خود را اثبات نماید. ملیت های محلی و اقلیتهای ساکن در ایران استراتژی زندگی مسالمت آمیز و برادرانه در کنار ملت تورک را قبول کرده و از مطالبات عادلانه و معقول خود دفاع نمایند.

مینیمیزه کردن تورکهای ایران تحت نامهای آذربایجانی، افشار، شاهسون، قشقایی، ترکمن و و اسامی ایل های آنها انتخاب راحت ترین راه مبارزه بوده و به معنی تایید و پیروی از سیاستهای فاشیستهایی چون وثوق الدوله، محمد علی فروغی و چهره های امروزی تر آن مثل هاشمی رفسنجانی، خاتمی و همکاران خارجی آنان می باشد. قبول هویت ساختگی

پرس برای ایران که بعد از جنگ جهانی اول توسط نیروهای اشغالگر و سازمان دهندگان نظام نوین جهانی به ایران تحمیل شده است خیانت به هویت تورکیت و اسلامیت ایران است.

کشاندن دوباره تورکیت به عرصه سیاسی ایران راهی بسیار پر خطر و مبارزه ای بسیار دشوار است. زیرا انتظار کمک از نیروهای داخلی و خارجی بسیار سخت و در بعضی مواقع غیر ممکن است. دفاع از تورکیت ایران مانند پوشیدن کفن و آمادگی برای شهادت بوده و در عین حال این راه مقدس راه آقا محمد خان کبیر، نادر شاه بزرگ و افراد، سربازان، سرداران با شرف لشکر غرور انگیز این غیور مردان است.

هویت جعلی فارس که به ایران و تورکیت ایران تحمیل شده است با بیداری و قیام حافظه تاریخی آن به زباله دانی تاریخ سپرده خواهد شد.

همانطور که قبلاً اشاره کردیم در دوره سیاسی بعد از قیام مشروطه خواهی دوم (بعد از تبعید شهید محمد علی شاه قاجار و به قدرت رسیدن رضا شاه) تا سال 1360 هجری شمسی و 1980 میلادی ضربات سنگین و مرگباری بر پیکره تورکیت ایران و پرچمداری تورکیت در جهان وارد آمد به طوری که به صورت پیکره ای خنثی و بی تاثیر در آمده بود. با این حال می توان گفت فراموش کردن هویت تورکی و قبول هویت تحمیلی فارس، پرس و همچنین ملی گرایی سرزمینی و محلی از طرف تورکان از یک طرف سبب خنثی شدن تورکیت در ایران و منطقه شده و از طرف دیگر راه نجات از انقراض کامل و زمینه تداوم حیات تورکها بوده است. حقیقت اشتباه نکرده و گمراه نمی کند.

از سال 1360 ه.ش (1980 م) به علت تغییر شرایط سیاسی در کشور و منطقه امکان ابراز وجود تورکیت در ایران ممکن شد. تورکیتی که تا سال 1980 در حال احتزاز و خونریزی بوده و از طرف بعضی تمام شده انگاشته می شد جان گرفت. و به زندگی بازگشت. این فرایند را دوره رستاخیز و بیداری دوباره تورکها می نامیم. به عبارت دیگر مقایسه روند سیاسی قبل از 1980 با شرایط سیاسی پس از آن امکان پذیر نیست. اگر

قبل از تاریخ فوق تورکها خود را زیر مجموعه هویت فارس و آریایی تعریف می کرده و یا با هویت آذری و آذربایجانی قربانی سیاستهای راست و چپ انگاشته می شدند، بعد از آن تاریخ به عنوان تورک و برای تورکیت قدم به میدان مبارزه گذاشته و ابراز وجود کردند. به همین دلیل است که اکنون هویت ملی متعلق به زمان احتزار (هویت محلی گری) را رها کرده و از هویت واقعی و همچنین هویت متعلق به زمان قیام و بیداری و هویت تاریخی که همانا هویت مخصوص یک ملت پویا (تورکیت تمام ایران) دفاع کرده و برای استیلای عظمت تاریخی خود تلاش نمایند. تورکهای ایران دیگر به سالهای قبل از 1980 بر نخواستند گشت و اگر قرار به بازگشت به گذشته باشد برای احیاء قدرت ایران و تورکیت در دوره قبل از قرن نوزدهم باز خواهد گشت.

برای رسیدن به این مقصود باید جنبه علمی و عملی این فرایند بیشتر درک شود. باید خاطر نشان کنم که هر تورک آگاه و با شعور و صاحب شرافت و لیاقت که موفق به بیداری و احیاء حافظه تاریخی خود شده است موقعیت و صلاحیت گذشته تاریخی این سرزمین را می شناسد و برای رسیدن به آن تلاش خواهد کرد.

ملی گرایان تورک در ایران باید پایشان را بر زمین سفت نهاده و خود را از اوهام و رویاهای تو خالی نجات داده بر روی استراتژی ها و مطالبات معقول و عملی پافشاری کنند زیرا حرکت ملی تورکهای ایران علاوه بر ایران بر سرنوشت سیاسی کشور تورکیه و تورکهای حوزه قفقاز به همراه آذربایجان بزرگ در منطقه و حتی دنیای تورکیت و اسلامیت در صد سال آتی نقش مثبت و بارزی را بازی خواهد کرد.

امروز برای حرکت ملی تورکهای آذربایجان جنوبی و ایران بهترین و ممکن ترین استراتژی هدف قرار دادن زبان تورکی به عنوان زبان رسمی، حقوقی و دولتی و اجباری کردن آن است. فعالان حرکت ملی تورکهای ایران باید ارزشهای انسانی را ملاک فعالیت‌های خود قرار داده و برای تدریس و زنده نگه داشتن زبان و فرهنگ هم میهنان کرمانجی، سورانی، کورانی، لر، لار، لک، گیلک، تات، تاجیک (تاتجیک)، تالیش،

عرب و بلوچ به شیوه منطقه ای و محلی تلاش نموده و زبان تورکی را به عنوان زبان مشترک و زبان اجباری دولتی به عنوان هدف خود قرار دهند. شعار «تورک دیلینده مدرسه اولمالیدیر هر کسه» نشان دهنده بیداری و احیاء دوباره حافظه تاریخی ایران و تبلور آگاهی و شعور ملی ایرانیان است. پذیرفتن این شعار برای هر ایرانی با حافظه تاریخی بیدار و وطن پرست و معتقد به دموکراسی و ارزشهای والای انسانی و حفظ تمامیت ارضی کشور و آگاه به مسائل تاریخی در جهت رسیدن به وفاق ملی، رفاه اجتماعی و پیشرفت کشور لازم و ضروری است.

عناوین کتابها و مقالات علمی جناب آقای رحیم جواد بگلی

پژوهش علمی با مضمون (نقش دنیای مسیحیت در انحلال حاکمیت ترکان در ایران) در قالب مقالات در دو کشور ایران و آذربایجان (تورکی آذربایجانی و فارسی) چاپ شده است

پژوهش علمی با مضمون (علل مغلوبیت ترکان آذربایجان) در قالب کتاب اینترنتی در ایران و آذربایجان چاپ شده است .

پژوهش علمی با مضمون (تاریخ معاصر، اهداف استراتژیک حرکت ملی) در قالب کتاب اینترنتی به چاپ رسیده است.

پژوهش علمی با مضمون (ایران واقعی از دیروز تا به امروز) به سه زبان تورکی آذربایجانی و تورکی استانبولی و فارسی در ایران و تورکیه و آذربایجان به چاپ رسیده است.

پژوهش علمی با محتوای (طلوع سیاست تورکیت در ایران و حرکت ملی از همه جوانب) در سه کشور آذربایجان، تورکیه و ایران به چاپ رسیده است.

پژوهش علمی با مضمون (نقش عوامل مهاجرتی و قحطی و نسل کشی در انحلال حاکمیت ترکان در ایران) در قالب مقالات به سه زبان تورکی آذربایجانی و تورکی استانبولی و فارسی در سه کشور به چاپ رسیده است.

پژوهش علمی با مضمون (چگونگی حل مسئله جدایی طلبی کورد ها که به خاورمیانه تحمیل شده است) در تورکیه به چاپ رسیده است.

کتاب ریشه و تاریخ کورد ها در تورکیه چاپ شده و در ایران و آذربایجان مراحل چاپ را سپری میکند.

پژوهش علمی با مضمون (نسل کشی در دنیای تورک و انحلال انتوزئوپولوتیک) در تورکیه به چاپ رسیده است.

اثرهایی که مراحل چاپ را سپری می کنند :

- علل انحلال حاکمیت ترکان در ایران
- نسل کشی در دنیای تورک و انحلال انتوزئوپولوتیک
- نسل کشی در ایران و انحلال انتوزئوپولوتیک
- امپراطوری خزران به عنوان سلف دولت های سامانیان، غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان

سیستم آموزشی با نام آلپ ارن اینتیم سیستمی که با هدف ارتقا سطح آموزش کشورهای تورک در جهت بازگشت به دوران طلایی تورکها در تاریخ

**بیانیه مشترک مقامات اسبق کشوری،
سازمانهای مستقل غیردولتی، رشنفکران و
نویسندگان مدافع حقوق جناب آقای رحیم
جوادیگلی منتشر شده در مطبوعات ترکیه**

از مقامات ذی صلاح سنوال می شود؟

رحیم جوادیگلی مجرم نیست، مهاجری است زیر نظر سازمان ملل. وی را به ایران نمی توان نمی توان مسترد نمود. علی رغم این شرایط 4 ماه

است که در کمپ مهاجران وان در شرایط نامناسب در بازداشت بسر می برد. به چه دلیل؟

وزارت خارجه ایران مکرراً از دولت تورکیه خواستار تحویل دادن رحیم جوادبگی شده است، وی یکی از رهبران سرشناس مدافع حقوق بشر و دموکراسی تورکان ایران می باشد. نزدیک به 5 سال هست که تحت محافظت سازمان ملل در تورکیه بعنوان پناهنده سیاسی بسر می برد. همچنین وی مولف پژوهش های علمی، کتاب ها و مقالات مختلف در مورد تاریخ سیاسی و سیستم آموزش و پرورش به محوریت تفکر ترکیت می باشد. و در آنکارا در رشته روابط بین الملل دانشجوی کارشناسی ارشد در حال تحصیل است.

در 3 آگوست یکبارہ بدون هیچ ارائه اطلاعات و بدون ارائه دلیل بعد از 4 روز زیر نظر گرفته شدن، به کمپ استرداد مهاجران قوروباش وان فرستاده شده و به این ترتیب آزادی از وی سلب شده است.

هزاران تورک ایرانی در اعتراض به این عمل غیر منتظره از طرف کشور برادر- تورکیه در خیابان های تبریز ، با شعارهای "آذربایجان وار اولسون! رحیم بی آزاد اولسون!" عکس العمل خود را نشان دادند.

جوادبگی، علی رغم اینکه پناهنده ای است تحت حفاظت سازمان ملل متحد، به کدامین دلیل در کمپ پناهندگان وان بازداشت می باشد؟ با وجود حکم سازمان ملل متحد به تاریخ 13/09/2018 "در مورد ایشان و تاکید بر عدم استرداد به کشوری که امنیت جانی وی را تحدید می کند با استناد به چه ماده قانونی با وی به عنوان یک مجرم و محکوم رفتار می شود؟

رژیم ایران که سالهاست در مقابل تورکیه از مقامات ارشد گروه تروریستی پ ک ک حمایت می کند، با چه جرات و جسارتی رهبر یک جنبش مدنی مدافع حقوق انسانی 40 میلیون تورک را که تا سال 1925 حاکم قانونی ایران بوده اند مطالبه می نماید.

دولت تورکیه که به اخلال حقوق بشر در سوریه، عراق، سومالی، میانمار و فلیسپین این چنین حساسیت نشان می دهد، برای چه همین حساسیت و توجه را از رحیم جوادبگلی دریغ می کند؟

توجه و امتیازاتی که حتی از خود شهروندان ترک دریغ شده و نسبت به میلیون ها پناهنده سوری اعمال می شود، چرا شامل ایشان نمی باشد؟ آیا ترک بودن و تاکید بر تفکر ترکیت دلیل اصلی این تبعیض نیست؟

در حین انتقال به بیمارستان، به دلیل برخورد مجرمانه و اقدام قبیح، یعنی دسبند زدن به ایشان که با عکس العمل شدید جناب آقای رحیم جوادبگلی همراه بوده، چطور می توان توجیه نمود؟

ما امضاء کنندگان ذیل، خواستار پاسخ منطقی و حقوقی مسئولان ذی ربط به این پرسش ها می باشیم. این کمترین حق انسانی ما و جناب آقای رحیم جوادبگلی است.

اگر برای این پرسش ها در چهارچوب قانون اساسی پاسخ منطقی وجود ندارد، باید اسرع وقت جناب آقای رحیم جوادبگلی آزاد گردد."

امضاء:

رئیس کل سازمان "میللی دوشونجه" سعدی سومونجو او غلو

رئیس کل مرکز "روشنفکران استانبول" پروفیسور مصطفی ارکال

رئیس کل اتحادیه "مهندسان ارشد کشاورزی تورک" فهمی کیراز

رئیس کل انجمن "شرکت های آنکارا" اوباحان اوباو غلو

رئیس "مرکز تورک (تورک اوجاگی)" تورکان حاجال او غلو

رئیس کل مرکز "روشنفکران آنکارا" دکتر سینان دمیرتورک

رئیس سازمان "میللی دوشونجه" شعبه استانبول صادق گون ار
رئیس کل مرکز "روشنفکران کوجائلی" سلیمان پئکین
رئیس کل مرکز "روشنفکران آنتالیا" باقی کوچوک اوکودان
رئیس کل مرکز "روشنفکران ساکاریا" مصطفی کمال جراح اوغلو
رئیس کل انجمن "صلح و همدلی بانوانان جهان تورک" هدیه کاراکوش
رئیس کل انجمن "بانوان ایدئالیست قونیه" امینه موشتو
رئیس کل اتحادیه "عهد و وفا و همدلی توران" هارون مرال
رئیس مکتب مفکوره و انجمن "اولکوجو دوشونجه" احمد سلجوق
مدیر کل روزنامه "میللی دولت" برکان سوز ار و مجله "یئنی اوفوق "

...و

به دلیل تعدد تشکلات و شخصیت های برجسته امضاء کننده بیانیه از نام بردن تمامی این گروه ها و شخصیت ها صرف نظر شده است. کسانی که خواستار شناختن تمامی امضا کنندگان می باشند به لینک زیر مراجعه نمایند.¹

<https://www.yenicaggazetesi.com.tr/rahim-cavadbeyli-icin-ortak-duyuru-215122h.htm>¹



جناب آقای خلیل آلتی بارماق

وکیل دادگستری استان آدانا و وکیل مدافع جناب آقای رحیم جوادبگلی در آدانا

رحیم جوادبگلی فرزند ترک، فردی متشخص، ملی گرا و از دیار تبریز است. با عنایت و توجه به این ویژگی و شاخصه ملی خود هر آنچه می بایست در این راستا انجام داده است.

رحیم جوادبگلی تحصیلات خود را ابتدا در رشته حقوق و حقوق بین الملل و بعد در حوضه روابط بین المللی به پایان رسانیده و نهایتا در ارتباط با تاریخ سیاسی تحقیقات و تحریراتی بزرگ انجام داده است.

مطالعات آقای جوادبگلی در ایران و ترکیه به عنوان یک استراتژیست برجسته از نزدیک مورد ارزیابی و تعقیب قرار می گیرد.

تحقیقات و نوشته های این بزرگمرد دنیای ترک یعنی رحیم جوادبگلی توسط ابزار مختلف در اختیار جامعه قرار میگیرد. جوادبگلی که با تحقیقات نوآورانه و فشرده مشهور شده و به نتایج مهم و غیر قابل انکار رسیده است.

جوادبگلی در اوایل ماه اوت سال ۲۰۱۸ تحت نظارت اداره مهاجرت وان در آمده و پس از گذراندن مدت ۴ ماه و ۱۰ روز در این شهر به مرکز استرداد پناهندگان شهر آدانا منتقل گردیده است.

این مسئله تعجب افکار عمومی را برانگیخت و منجر به تظاهرات گسترده ی ترک گرایان ایران در شهرهای مختلف منجمله تبریز شد.

خبر انتقال جناب آقای جوادبگلی از وان به آدانا توسط وزیر اسبق دولت جناب آقای سعدی سومونچواوغلی و اوغوز اوزقایا از آنکارا به ما اطلاع داده شد. به

محض دریافت این خبر ما به عنوان دو وکیل دادگستری تمام پروسه های حقوقی مربوطه را انجام دادیم.

در روند حقوقی پرونده سعی و تلاش قابل ستایش جناب آقای "کیرپی" وکیل مدافع رحیم جوادبگلی در آدانا مشهود بوده و نمی توان از این تلاش ها چشم پوشی کرد.

در نتیجه قبول اعتراض نامه از طرف دادگاه دوم صلح و جزایی شهر آدانا و در آخرین روز از شش ماه مدت قانونی، آقای رحیم جوادبگلی آزاد شدند.

آزاد شدن آقای جوادبگلی در بین ترکان ترکیه و ایران و آذربایجان با خوشحالی و هیجان روبرو شد. و از همه کسانی که در آزادی ایشان تلاش کردند تشکر میکنم.

تحویل گرفتن ایشان از کمپ به من محول شد. آن لحظه یکی از خاطره انگیزترین لحظه های زندگیم است. در بدو آزادی به "تورک اوجاگی" شهر آدانا رفتیم که ایشان به جمعیت حاضر که شلوغ بود سخنرانی کردند.

تربیت شخصیت های مهمی مثل ایشان یک نعمت بزرگ، گارانتی و منبع امیدی برای ملت ترک میباشد.

برای تبریز سلام میفرستم.

یاشاسین بویوک تورک ملتی!

برای فرزندان غیور دنیای ترک سلام باد.

از دیدار و اتفاقاتی که در این ۱۵ روز با ایشان داشتیم حق نوشتن یک مقاله و نوشته مفصل را برای خود محفوظ میدارم و برای امروز این نوشته را مناسب دیدم.

عکس ها و تصاویر

تصویری از صفحه دوستداران رحیم جواد بگلی در فیسبوک



تصویر علیرضا نظمی افشار و رحیم جواد بگلی که از صفحه آقای افشار انتشار یافته است.



**دیدار نمایندگان حزب اییی پارتی تورکیه با رحیم جوادبگلی در کمپ
استرداد پناهجویان شهر وان**

29.11.2018

از سمت راست؛ اشرف بایسال معاون و هیئت مؤسس میلی دوشونجه، آیدین کؤل اوغلو از اعضا مرکز میلی دوشونجه، یاووز آغیرعلی اوغلو از نمایندگان سر گروه مجلس ملی و نماینده استانبول متعلق به ایگی پارتی، فریدون بخشی از نمایندگان سرگروه مجلس ملی تورکیه و نماینده آنتالیا و از بنیانگذاران اصلی حزب ایگی پارتی تورکیه، اورهان چاکیرلار از نمایندگان سر گروه مجلس ملی تورکیه و نماینده شهر ادیرنه که از تورکهای بالکان میباشند که به همراه هیئتی از شهر وان که با رحیم جوادبگلی دیدار نموده اند.

















تصاویری از نمایندگان ایبی پارتهی تورکیه که در شهر آدانا با رحیم جوادبگلی دیدار نموده اند.

از سمت راست ؛ گۆک تورک بوی وادا اوغلو استاندار ایالت آدانا، محمد متانت چولخا اوغلو نماینده آدانا در مجلس ملی تورکیه، رحیم جواد بگلی، اسماعیل قونجوق نماینده آدانا در مجلس ملی تورکیه، جیهاد گزن مدیر کمپ





مهمانی ویژه به افتخار آزادی جناب آقای رحیم
جوادبگلی از طرف هیات رئیسه و اعضای
مرکزی سازمان مطالعات استراتژی ملی و مرکز
اندیشه ملی جمهوری ترکیه

